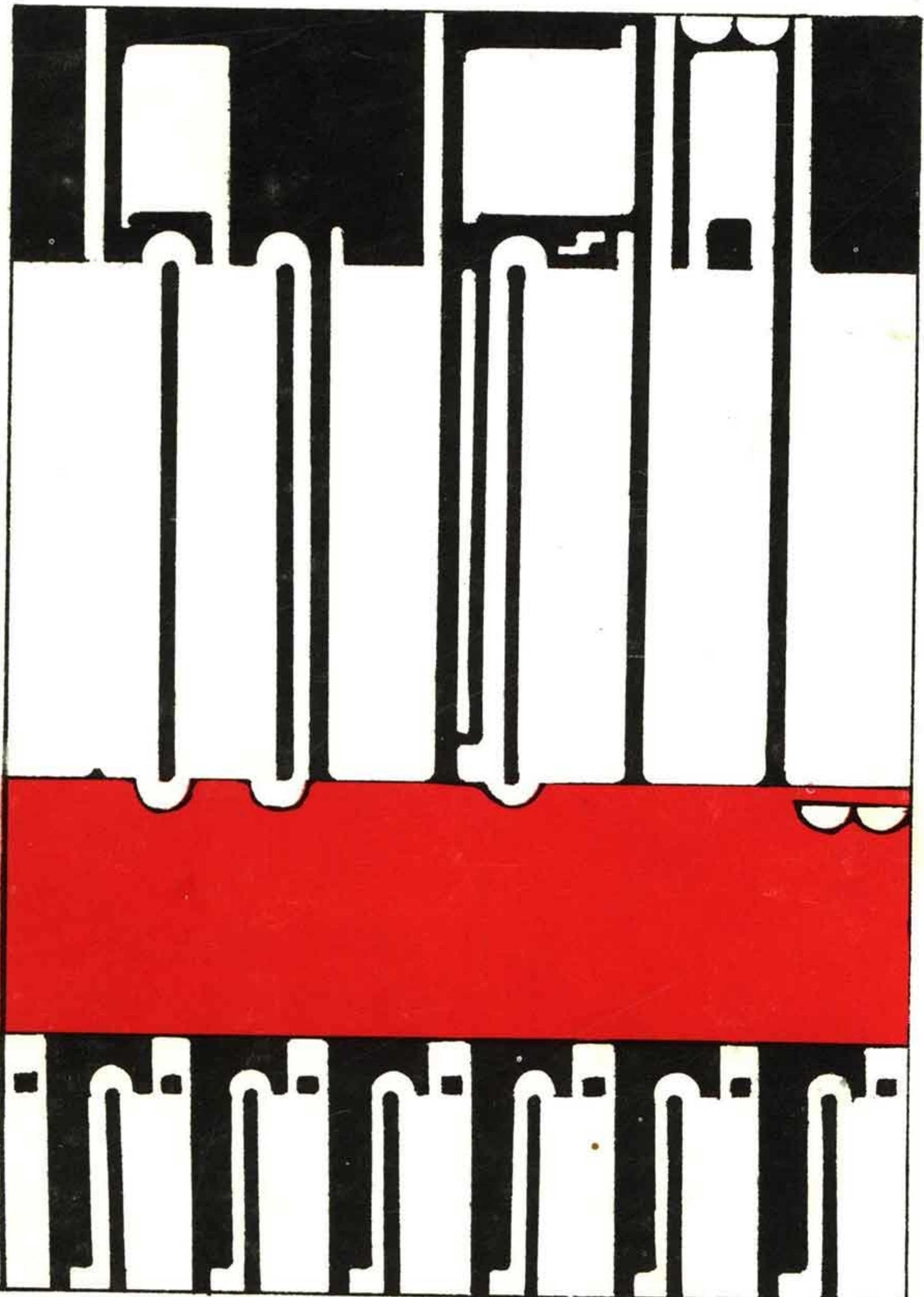


بهار آفرین قرن‌ها خزان

محمد مهدی مهزیار



بهار آفرین
قرنها خزان

محمد مهدی مهزیار

مؤسسة الامام المهدي



از انتشارات : مؤسسه الامام المهدي

با همكاري : كتابخانهء بزرگ اسلامي

مرکز پخش : انتشارات شهيد

نیش میدان انقلاب و خیابان انقلاب تلفن : ۶۶۱۲۳۲

تیراژ : ۱۰۰۰۰

فهرست:

صفحه	عنوان
۵	سلام
۹	سراغاز
۱۵	یادآوری
۲۵	دیدگاه
۲۹	ریشه یابی
۴۱	روشنگری
۴۹	آشنایی
۸۱	تداوم انقلاب
۸۷	پاورقیها

سسلام

سلام بر یگانه حجت زمان
سلام بر یگانه ساحل امان
سلام بر بهار آفرین قرن‌ها خزان
سلام بر صلاح و داد آور جهان
سلام بر آنکه یاد او ، شکوه بخش انقلابمان
سلام بر آنکه نائیش ، حماسه آفرین روزگارمان
سلام بر تو : واپسین لوا به آخرین زمان
سلام بر تو: ای یگانه حجت زمان
سلام بر . . .

سر آغاز

انقلاب شکوهمند ما ره به پایان برد ، اما هنوز تا سرمنزل مقصود ره بسیار است ، که در اسلام هر جنبشی ، اعم از اجتماعی یا عقیدتی ، برای دستیابی به اصالت خویش می‌بایست دو مرحلهٔ ذیل را پشت سرگذارد :

۱ - مرحلهٔ نفی

۲ - مرحلهٔ اثبات

و به تعبیر قرآن "لا" و "إِلَّا" .

در مرحلهٔ نخست می‌باید پلیدیها را زدود و موانع را از میان برداشت و در مرحلهٔ بعد سازندگی و پویایی را آغاز نمود .

نهضت افتخارآفرین ما نیز بر این دو پایه استوار بوده است :

آن طاغوت فرعون منش را بخاک افکندیم و بدنبال آن پی ریزی جامعه‌ای را بر اساس رفاه و عدل و آزادی و ایمان را آغاز نمودیم .

اما مسئلهٔ مهم در اینجا آنست که هیچ ساخت اجتماعی از

فرهنگ جامعه برکنار نمی‌تواند باشد ، و هر جامعه‌ای بر اساس

اصول فکری و عقیدتی خود هست که بنیان وجود خویش را استوار

میسازد . اما نکتهٔ دیگر آنکه از ارکان هر جهان بینی مساله هدفداری

و جهت گیری حرکت انسان و جهان است .
 نتیجه آنکه هر اجتماعی که در راه سازندگی گام می‌نهد ، بساید
 بداند که این تلاشهای وی در چه سویی بوده و این پویش ها بیش
 در جهت ایجاد چه جامعه ای می‌باشد .
 اما در مورد مرز و بوم خود نیز می‌گوئیم که این جنبش سترگ ما ،
 پس از طی مرحله نفی و درهم شکستن طاغوت زمان ، طریق اثبات
 آغاز نموده و سازندگی اجتماعی را در پیش گرفته است . اما از آنجا که
 این ساخت اجتماعی بر پایه فرهنگ اسلام و تشیع استوار است ، باید
 بدانیم که سیر این کاروان در جهت چه مقصود ماوایی می‌باشد ؟ و
 کدامین جامعه موعود - با چه ویژگیهایی - است که وی خواهان
 رسیدن بآن است ؟

اینجاست که آن اصل اسلامی - شیعی مطرح میشود و آن اعتقاد
 بنیکفرجامی جهان و سیر کاروان بشریت در جهت تشکیل حکومتی
 واحد در سراسر گیتی و بر اساس عدل و ایمان ، برهبری پیشوایی
 معصوم ، می‌باشد . از اینروست که ما اسلام آورن ، بنا به این
 اعتقاد اصیل خویش ، برآنیم که سیر تکاملی تاریخ بشر سرانجام روزی
 به آن عصر موعود - که مورد آرزوی تمامی خلقهای جهان است -
 دست خواهد یافت .

بدیهی است که به این ترتیب روند جامعه خود را هم در جهت
 دستیابی به آن حکومت عدلگستر جهانی می‌دانیم و بس . و در این
 هنگام است که رسالت عظیم ما که تداوم انقلاب تا قیام جهانی امام
 مهدی (ع) و سیر جامعه خود بسوی آن است ، آشکار میشود .

و این رسالت از آنجا بنیان می‌گیرد که ما بشر را تاریخ آفرین می‌دانیم و نه برعکس ، که وی را اسیر و ذلیل آن دانسته و کمتر مسئولیتی برای وی قائل نشویم . که این انسان است که با فراهم آوردن زمینه - های لازم به دستاورد خود رسیده و به آرزوی خویش جامه عمل می‌پوشاند .

وقوع قیام قائم‌مظهر هم از همان اصل فوق - تاریخ آفرینی و زمینه - سازی - سرچشمه می‌گیرد و اینچنین نیست که آن انقلاب ، بدون هیچگونه زمینه و مقدمات قبلی ، ناگهان در جهان ظاهر شود . بلکه این نهضت حقگستر نیز همانند دیگر انقلابها - و بطور کلی پدیده - های - جهان نیازمند وجود يك سری شرائط و زمینه سازی قبلی است و بدون این مقدمات هیچگاه رخ نمی‌نماید .

البته نمی‌گوئیم محال است ، بلکه معتقدیم از آنجا که نظام علیت بر جهان و تاریخ حکمفرماست ، قاعدتا باید قیام حضرتش بدین - ترتیب صورت گیرد . اما دست الهی را هم بسته ندانسته و او را قادری متعال میدانیم که بر هر کاری توانا بوده و هیچ بعید نیست که - همانند تولد حضرت عیسی (ع) و سرد شدن آتش به حضرت ابراهیم (ع) - بدون وقوع شرائط مورد نیاز حضرتش را آشکار نموده و با و اذن قیام دهد . اما بر طبق حدیث : " أَبَى اللّٰهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأُمُورَ إِلَّا بِسَبَابِهَا " - خداوند ابا دارد که کارها را جز از راه اسباب طبیعی به پایان برد - وظیفه مان آن است که با توجه به نظام حاکم بر جهان حرکت نمائیم .

بنابراین مشخص است که ، آن مقدمات را ما هستیم که باید با

توجه به سنتهای حاکم بر جهان و تاریخ بوجود آوریم .

* * *

در این نوشته که با عنایت به این مساله هدفداری و جهتگیری اجتماع در سیر تکاملی خود ، نگاشته شده است ، سعی بر آن رفته است که گامهایی در جهت آشنایی هرچه بیشتر با آن جامعه موعود و طریق دستیابی بدان برداشته شود .

اما از آنجا که شناخت آن یگانه مدینه فاضله تاریخ بشر ، بدون توجه به مقام رهبری آن غیر ممکن بوده و این پیشوائی آن نهضت است که انقلاب جهان شمول خود را به پیروزی می رساند ، هم ما در این نوشته بر آن قرار گرفته است که آگاهی ژرفتری نسبت به مسائل درباره حضرت مهدی (ع) ارائه داده و به این ترتیب با شناخت هرچه فزونتر آن امام عصر و قائم منتظر ، با گامهایی استوارتر در جهت تحقق قیام حضرتش کوشا بوده و در این زمینه به کوششها و تلاشگریها دست یازیم .

یاد آوری

در این قسمت سعی ما بر آن خواهد بود که دلائل الزام تجدید نظر جامعه خود را نسبت به مسأله امامت حضرت حجت علیه السلام مورد بررسی قرار دهیم ، که آن عوامل مجموعاً ما را ناگزیر از توجه هرچه بیشتر به " فرهنگ امام* " میسازد .

این براهین را میتوان در ابعاد ذیل خلاصه نمود :

خلل پذیری

میدانیم که شرط تحرك و پیشروی هر جامعه داشتن فرهنگی سالم و غنی و پویا می باشد . با این عنایت است که فرهنگ جوشان و خروشان تشیع نیز تا زمانیکه خالی از هرگونه عامل خارجی باشد می تواند نقشی عظیم در ساخت اجتماع داشته باشد (چنانکه قرون طلایی صدر اسلام شاهد این مدعا هستند) ولی همینکه غل و غشی در آن راه یافت آن اصالت اولیه خود را از دست میدهد .

بعنوان مثال نمونه ای از این فرهنگ مسخ شده را در زمان صفویه می بینیم که با نفوذ عامل خارجی تصوف در فرهنگ شیعه مردم بجای مبارزه و جلوگیری از هرگونه نابسامانی و زور و ستم ، تنها به خواندن ادعیه و اذکار اکتفا نموده بودند و حتی این انحراف بجائی

* اصطلاح " فرهنگ امام " را مادر این نوشته در يك مفهومی کلی " مجموعه " مسائل حول مهدویت " بکار برده ایم .

رسیده بود که چون محمود افغان به اصفهان حمله برد، شیعیان به جای آنکه بپاخاسته و با دشمن درآویزند برای دفع شر او در گوشه ای نشسته و به دعا خوانی و ورد گوئی مشغول شدند* .

از اینروست که رهروان راه ولایت باید پیوسته حریم فرهنگ خود را پاسدار باشند که ائمه بزرگوار ما - که درود خدا بر همگانشان باد - نیز بارها بر این هوشیاری تاکید نموده اند .

هشدار بر آنکه شیعه مبانی عقیدتی و عبادی و مسیر حیاتش را از دیگر مکاتب اخذ نکند و آنها را تنها از طریق اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام اخذ نماید . و بس . تا آنکه مباد که آبهای هرزه و آلوده با این نهر زلال درآمیزند و موجها را به مرداب بدل سازند که از آنجمله این فرمایش مولای متقیان است : " مَنْ رُكِبَ غَيْرُ سَفِينَتِنَا غَرِقَ " ^۱ - هر آنکه بر سفینه ما گام ننهد امواج پهنه دریا ، حیات درونی و معنوی اش را به تاراج میبرند .

حال با توجه به این مقدمه باید یادآور شد که اگر ما می خواهیم اصالت فرهنگ شیعی را از دست ندهیم ، باید جنگ بدامان امام عصر (ع) زنیم ، زیرا امام را - در شکل پویایش - از جامعه خارج - کردن بمعنای حذف رهبری دینی شیعه* * ، و در پی آن تزلزل

* البته اینجا بر اصالت دعا (که طلب امداد و فزونی از خداست) خدشه ای وارد نیست ، که همان دین سفارش کننده دعا فریاد بر - میآورد : " كَيْسٌ لِلْإِنْسَانِ الْأَمَّاسَعِي " آیه ۲۹ سوره نجم - برای انسان (عملی سودمند) نیست مگر آنچه (در اکتسابش) تلاش نماید .

** به مفهوم اخذ معارف عقیدتی و عبادی و خط مشی زندگی از لحاظ مشروع بودن - از امام .

بنیانهای علمی و عملی و معنوی است .
 اما میدانیم جامعه خلا پذیر نمی باشد و همچون انسان گرسنه در
 صد د کسب مواد غذایی است - حال گو آنچه بدست می آورد ، ظاهری
 آراسته و باطنی مسموم داشته باشد - که اگر چنین باشد فرهنگها و
 مکاتب بیگانه با خالی شدن سنگرها یورش آغاز می کنند و موریانه وار
 به پوساندن و بی محتوا کردن بنیادها و اصالتها می پردازند .
 بنا بر این شاهدیم که جدایی از امام چه نتایج زیانباری متوجه
 عقاید فرد و جامعه میسازد و بر ماست که برای ادامه نهضت های
 اصیل شیعی ، و بمنظور حفظ و حراست این یگانه فرهنگ دست -
 نخورده و تحریف نیافته ، پشتوانه آن ، ولی زمان مهدی (ع) ، را
 از یاد ببریم و با زنده نگهداشتن یاد او در احیاء و ابقاء حیات
 فرهنگی و اجتماعی خویش بکوشیم .

جهت گیری

هرگونه نهضت و جنبش اجتماعی یا فرهنگی که تحقق می یابد
 با توجه به دنی معین و جهان بینی ای خاص دنبال میشود . در این
 میان رسالت جامعه شیعه نیز در زمان غیبت جهت گیری ویژه خود را
 دارد که آن تلاش در زمینه آماده کردن زمینه قیام قائم موعود است .
 و نتیجتاً تمام حرکتها و نهضت های متاثر از این غایت می باشد .
 زیرا میداند که " نبود او از - نمود - ماست " ^۲ و خود حضرتش
 هم فرموده است که " اگر نبود بعضی رفتار ناهنجار شیعه به سعادت
 ملاقات ما نائل میشدند " ^۳ .

با توجه به این اعتقادات است که وی می کوشد موانع قیام مهدی -

موعود را از جامعه بزداید تا حضرتش به اذن خدای زمام جهان به کف گیرد و حکومت عدل و ایمان را بر پهنه گیتی بگستراند .
 بنابراین او هرچند که در پیگیری نهضت‌های فرهنگی و اجتماعی به که در راه اهداف توحیدی باشد - از پا نمی‌نشیند و حتی به تشکیل دولت‌هایی اسلامی نیز موفق میگردد ولی این را هم فراموش نمی‌کند که کل این حرکتها تنها در جهت تقرب قیام امام منتظر (عج) و برداشتن عوامل بازدارنده این ظهور مطرح هستند که اگر جز این باشد اصالت اسلامی نهضت مورد تردید می‌باشد . زیرا او نیک میدانند که دولت واقعی شیعه در زمان کان یگانه رهبر است که جلوه گر میشود :

"لِكُلِّ اُنَاسٍ دَوْلَةٌ يَرْقُبُونَهَا" و دولتنا فی آخرالدهری بظهر^۴

"هر گروهی را دولتی است که در انتظار آنند و دولت ما در واپسین زمان ظهور می‌نماید ."

بنابراین برای تعجیل ظهور حضرت بقیه الله (ع) وظیفه ما آنست که در تهیه مقدمات آن بکوشیم . که این مقدمات از دو جنبه قابل حصول است : ریشه کن ساختن عوامل بازدارنده قیام و تقویت عوامل تسریع کننده آن .

اما این اقدامات احتیاج به آگاهی‌هایی دارند که تنها با عنایت به "فرهنگ امام" قابل حصول بوده و ما را یارای جنبش می‌دهند ، و این میسر نخواهد شد مگر با کسب آگاهی‌های لازم که آن تنها با مراجعه به فرهنگ امام است که بدست می‌آید .

امید

در صحنه های تاریخ بشر پیوسته صحنه هائی بوجود آمده است که آنچنان فساد و تباهی و ظلم حلقوم ملتی را فشار داده که مصلحان اجتماع - از طرق عادی - روزنه امید را مسدود دیده و آن تموجشان به انجماد بدل شده و حرکت اجتماعی آنها رو به سکون و رکود رفته و پس از زمانی هیچگونه تحرکی در جامعه آنان بچشم نمی خورد. حال باید دید در این تنگناها که امکانات در برابر نیروهای مقابل بس اندک است چه چیزی تواند از این نشست صخره سان، چشمه تلاش و تکاپو بجوشاند، و در جهت گیری ماطرحی نود راندازد. جز امید به امدادی الهی که از قبل بشارتش را داده باشند؟ که در مبارزه بین حق و باطل باید پیکار را ادامه داد. اگر پیروز شدید زهی سعادت و اگر باطل در صدد غلبه برآمده و شما نیز تا آخرین نفس پایداری کردید، اما دشمن پس از درهم شکستن تمام نیروهاتان، در گرماگرم چیره شدن بر آخرین سنگر بود، امدادگری الهی به یاربتان شتافته و آن خصم نابکار را منهزم خواهد ساخت، و علاوه بر آن نابسامانیهایتان را نیز همه به سامان خواهد آورد.

از این روست که می بینیم در فرهنگ اسلام - که بویژه تشیع نمود راستین آن است - همواره این روح امید در کالبد مسلمانان دمیده شده که هیچ زمان - در پیکار نور و ظلمت - امید ظهور حضرت حجت علیه السلام را از یاد مبرید و اگر ستم و جور بر شما تسلط یافت و هیچگونه یار و یابوری هم به فریادتان نرسید مهرا سید و خوار و زبون نشوید که قوایی نیرومند از جانب خدای در راه است و بسا که آن

نیرو هم اکنون در رسد و شما را از چنگال زورگویان و ستمگران نجات دهد . پس از پا نایستید و به پیکار ادامه دهید تا به هدف نائل شوید .

به این ترتیب است که مشخص میشود توجه به ظهور مصلح کل حضرت مهدی (ع) تا چه اندازه ما را یارای باندختن پلیدیها میدهد .

زمان آگاهی

از شرائط گسترش و پیشرفت نهضت ها و تحرك ها یکی هم آشنا بودن با ابعاد زمانی معاصر آن است چنانچه حضرت صادق (ع) نیز در این باره فرموده اند : " دانای بزمان خویش بـه اشتباهکاری نیفتاده و اشکالات به او روی آور نمی شوند^۵ ."

تحركهای زمان غیبت هم از این اصل مستثنی نیست و برای به ثمر رساندن آنها ناچار از آشنائی با سیر کلی جریانات عصر غیاب امام (ع) هستیم ، زیرا وقایع زمان پنهانی حضرت مهدی (ع) عموماً بر يك روال بوده و از يك چهارچوب کلی پیروی میکند و تنها در این میان ظاهرشان تغییر می یابد . (تفصیل این بحث در بخش "غیبت" خواهد آمد .)

تعیین آن اصول و خط مشی مربوط به بررسی "مسائل حـول غیبت" بوده که خود شاخهای از فرهنگ اسلام می باشد . که با توجه به این معرفت ، الزامی دیگر در جهت ضرورت مطرح گردیدن فرهنگ امام در جامعه احساس می گردد ، که عدم اقدام به آن باعث هدر رفتن

نیروهاییمان گردد .

گمراهی

همواره در حیات جمعی انسانها سوداگرانی پیدا شده اند که از يك اصل مورد قبول اجتماع بهره برداری سوء کرده و نمونه های محرف و نادرست آنرا به خورد جامعه داده اند .

متأسفانه جوامع اسلامی نیز از این خیانت - خواه بدست عمال داخلی یا ایادی خارجی یا با ائتلاف هردو - در امان نمانده است . و از این قبیل مسائل است ، مسأله مهدویت در اسلام کسکه تاکنون دهها نامزد و داوطلب داشته است ، که در هر زمان عد های ساده لوح و نادان را فریفته و رابطه آنها را با دین حق گسسته اند که البته وجود بعضی ایجابهای زمانی در رواج بازار آن مهدی - نمایان بی اثر نبوده است .

و اینها همه ناشی از جهل جامعه نسبت به شناسائی حضرت بقیه الله (عج) می باشد بنا بر این برای رهائی از دام این شیادان چاره ای نیست مگر اینکه با فرهنگ امام آشنا شد ، تا سیه روی شود هر که در او غش باشد .

صفای روح

همانگونه که زندگی اجتماعی شیعه بدون مطرح بودن امام مفهوم ندارد ، حیات معنوی او هم بدون عنایت به امام عصرش میسر نیست ، زیرا اگر قلب ما به قلب حجت خدا - آن طپشگاه کائنات - مرتبط

نباشد ، پس از مدتی کلیه اعمال مان خالی از روح و عمق گردیده
و تنها صورتی ظاهر از آن باقی می ماند و میدانیم که چنین نمود هائی
نه دوامی دارد و نه استقامتی میتواند در برابر مشکلات به ما ارزانی
دارد .

با این عنایت است که لزوم مطرح بودن آن هدایتگر زمان هم
در دل اجتماع تشیع و هم در قلب فرد فرد شیعیان کاملا احساس
میگردد .

* * *

در مجموع با توجه به این الزامها و نیازهاست که خود را ناچار
از آشنائی با فرهنگ امام و گسترش آن در جامعه ، می بینیم ، و تنها
در این صورت است که توان آن می یابیم تا به اهداف فردی و
اجتماعی و معنوی خود ، دست یازیم .

دیدگاه

قائمیت یا مهدویت اعتقادی است حاوی چشمداشت قیام یک
 مصلح نیرومند و گرانقدر الهی که با قیام شکوهمند و پیروز خود بنا -
 برابریها و بیدادگریها و نابسامانیهای مادی و معنوی جامعه
 انسانی پایان میبخشد و سراسر زمین را زیر پرچم حکومت عدالت
 جهانی آورده و رفاه و آسایش را بهمگان ارزانی دارد .
 این عقیده را در آراء بسیاری از ملل و ادیان و مکاتب یافت
 میشود ، که در اینجا مجال بررسی آنها نیست و خواستاران را به
 کتب مربوطه ارجاع^۷ میدهیم .

ریشه یابی

برای اثبات اصالت يك مطلب در يك ایدئولوژی ، از دو طریق میتوانیم بر آن " محك تجربه " زنیم : اول اینکه سراغ آنرا در فرهنگ آن مکتب بگیریم و ثانياً آنکه در جامعه مؤمن به آن آئین در جستجوی ریشه یابی اش برآئیم .

برای پیجویی اصالت اسلامی مساله قائمیت هم ما از همان دو رویه فوق استفاده می‌نمائیم ، به این مفهوم که از دو طریق : بررسی در فرهنگ اسلام (قرآن و حدیث و اجماع) و عقیده مندی فرق اسلامی ، به پژوهش درباره این موضوع می‌پردازیم .

الف - تحقیق در متون

۱ - قرآن

یکی از بحثهای گسترده قرآن ، موضوع دعوت انبیاء می‌باشد که در هر جای کتاب خدا بنگریم ، بازتاب این دعوتها را چیزی جز بی‌اعتنایی و تمسخر و آزار نمی‌بینیم^۸ .

و چه بسا اقوامی را قرآن یادآور است که بواسطه همین سرکشها و طغیان و عدم قبول دعوت حق ، مستحق عذاب قهر می‌گشتند .
بنابراین قرآن روشنگر این است که دعوت انبیای قبل در مجموع با بی‌اعتنایی و تحریف و در بسیاری موارد با شکست مواجه بوده است .

تا اینکه میرسیم به آخرین آن ادیان که شریعت خاتم پیامبران
حضرت محمد (ص) میباشد .

در مورد اسلام هم باید گفت که اگر چه گسترش آن بعد از هجرت
چشمگیر بوده و در زمان وفات رسول خدا (ص) اسلام از شبه جزیره
عربستان نیز فراتر رفته بود ، اما افسوس که در همین اوان درگذشت
نبی مکرم است که حبابهای دروغین ایمان در هم می شکندند* و دملهای
چرکین جاهلیت، که اسلام سعی کرده بر آنها مرهم نهد ، چهره کریمه
خود را آشکار می کنند . که این انحراف هرچه از فوت پیامبر (ص)
دورتر میشویم ، سرعت بیشتری می یابد و این آینده نگری قرآن
بود که از قبل تصریحا یا تلویحا اعلام خطر کرده بود :

* قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ
الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ^۹ : " اعراب گفتند که ایمان آوردیم بگو به ایمان
نگرئیده اید ، لیکن (بجای ادعای ایمان) بگوئید اسلام آوردیم و
هنوز در قلبهایتان ایمان جای نگرفته است . "

« مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ
انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ^{۱۰} : " محمد (ص) نیست مگر پیامبری که قبل از او هم
رسولانی بوده اند (او هم مانند آنها در میگذرد) پس آیا اگر درگذشت
کشته شد به همان طریق قبل خود (جاهلیت) باز میگردید ؟

. . . . و رسول خدا (ص) که : " بدرستی اسلام حیات خود را
با غربت آغاز نمود و زود است که به غربی نبی نخستین خویش بازگردد .^{۱۱}

* البته اینجا شاید " شکستن " رسا نباشد ولی لغتی مفهومتر
به ذهن نگارنده خطور نیافت .

اما شاهد بودیم که جامعهٔ صدر اسلام علی‌رغم این هشدارها ، آگاهانه یا جاهلانه - خود را تسلیم دسیسه‌ها و زدو بندهایی نمود که در همان دهه‌های نخستین ثمرهٔ تلخ آن سخت جانش را فشرد* و در قرون بعد نیز پدید آمدن انشعابات و فرق و مذاهب گوناگون بیش از پیش پیکرش را درهم شکست .

و در این میان جباران بنی امیه و بنی عباس با گسترش فرعون - منشی خود در تمام نقاط جوامع اسلامی در تحریف هرچه بیشتر اصالت‌های اسلامی کوشیدند .

و آیا به این ترتیب سرانجام اسلام نشد که : " ... زود است که غریبی نخستینش را باز یابد؟ "

بنابراین شاهدیم که این آخرین دین حق هم را نگذاشتند نقش کاملاً مؤثری در پیشرفت و تعالی جامعهٔ بشری ایفا نماید . اما باید دید که این طغیان و خودسری بشر در برابر این مذاهب الهی آیا تا ابد الدهر ادامه می‌یابد یا اینکه مدت و سرآمدی برای آن مقرر شده است؟

در اینجا است که سنت خلل ناپذیر خدای بر این تعلق می‌گیرد که زمانی این انسان سرکش سرخسوع در برابر دین حق فرود آورد و اسلام بر سراسر جهان سیطره افکند . آنهم نه تنها بر زبانها بلکه در قلبها و نهادها :

« كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي ۗ » خداوند چنین مقرر نموده که

یقیناً من و پیامبرانم (بر جهان) چیره خواهیم شد . *

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^{۱۴۰} . اوست که رسولش را با هدایت و دین حق (بسوی مردم) فرستاد تا آنرا بر تمامی ادیان چیرگی بخشند هرچند که (این اراده الهی) خوشایند مشرکان نباشد .
 که پیروزی رسالت ، پیروزی هدف رسالت - که پابرجائی عدالت بر زمین است - می باشد .

حال اگرما به این فرجام کار جهان که برقراری عدل و اصلاح جامعه انسانی است ، اذعان آوریم ، ناچار از اعتراف به وجود عدلگستر و مصلحی الهی خواهیم بود که تحقق بخشنده هدف انبیاء می باشد . و این نهایت ، همان است که تحت عنوان قیام قائم موعود بیان میشود .

۲ - کتب حدیث و کلام

موضوع مهدویت و ظهور عدلگستری در آخرالزمان ، از موضوعات پردامنه احادیث اسلامی می باشد . و شاید در کمتر موردی این - چنین بین عامه و خاصه ، روایت داشته باشیم . چنانچه گاهی اخبار یکی از مشخصات مهدی موعود متجاوز از صدها نمونه میگردد . چند نمونه ذیل شاهد این مدعایند :

مهدی از خاندان و ذریه پیغمبر (ص) است : ۳۸۹ حدیث

مهدی (ع) عمر بس طولاتی دارد : ۳۱۸ حدیث

مهدی (ع) از فرزندان امیرالمؤمنین است : ۲۱۴ حدیث

مهدی (ع) نهمین فرزند امام حسین است : ۱۴۸ حدیث

مهدی (ع) دوازدهمین و آخرین ائمه است : ۱۳۶ حدیث

این گستردگی که روشنگر مقبولیت این عقیده در فرهنگ اسلام می باشد ، کتب حدیثی و کلامی گوناگونی را - از قرون نخستین اسلام تاکنون - در میان مذاهب و فرق مختلف اسلامی ، بخود اختصاص داده است .

در این میان فرهنگ شیعه که پیشتر از این راه بوده ، از همان قرون صدر اسلام نگارش در این زمینه را شروع نموده است ، که از کهن ترین منابع ما در این زمینه کتاب "غیبت فضل بن شاذان" ۱۶ ، - از خواص حضرت رضا (ع) - (متوفی بسال ۲۶۰ هـ) میباشد که با توجه به تولد حضرت حجت (ع) در سال ۲۵۵ هجری ارزش این کتاب معلوم میگردد .

و بعضی از محققین تاکنون متجاوز از ۳۵۰ کتاب و رساله از قرن چهارم تا چهاردهم در این مورد بدست آورده اند ، که اگر این مقدار را بر کتبی که هنوز در دسترس آن پژوهشگران قرار نگرفته است اضافه شود ، بیش از ۵۰۰ مجلد خواهد گردید . ۱۷

در مورد کتب علمای اهل سنت نیز بتقریب میتوان گفت که در کلیه مجامع احادیثی معتبر آنها از قائم منتظر سخن رفته است ، چنانچه یکی از استادان دانشگاه الازهر مصر و شارح معروف "صحاح سته" * معترف است که : "احادیث مهدی را گروهی از برگزیدگان صحابه رسول خدا (ص) روایت کرده اند و بزرگان محدثان ما مانند ابوداود ، ترمذی ، ابن ماجه ، طبرانی ، امام احمد حنبل و حاکم نیشابوری - رضی الله عنهم اجمعین - در کتاب خود آورده اند . " ۱۸

* شش کتاب اولیه و معتبر حدیثی اهل سنت .

مجموعهٔ این تألیفات بیش از صد مورد می‌باشد ، و این علاوه بر کتب مستقلی است که مشاهیر تسنن در این زمینه به رشته نگارش درآورده اند که مقدارشان بالغ بر ۳۰ مجلد میشود.^{۱۹}

* * *

بنابراین ملاحظه نمودیم که با توجه به فراز فوق موضوع نهضت قائم موعود مساله ای است بس عمیق در متون اسلامی که بزرگان فرق اسلامی جوانب آن را در آثار روانی و کلامی خویش آورده اند .

۳ - باورداری

* شیعه

گرچه قبولداشت شیعه نسبت به قائم موعود مساله ای است آشکار و بی نیاز از اثبات ، لیکن برای روشنگری هرچه بیشتر ، در ذیل عنایت عمیق پیشوایان و دانشمندان تشیع را یادآور میشویم :

امامان شیعه تماما در مورد حضرت مهدی (ع) به تفصیل سخن رانده و ابعاد آنرا مشخص ساخته اند.^{۲۰} در اینجا به ذکر نمونه ای از عنایت خاص آنها به این مساله اکتفا می‌شود :

حضرت صادق (ع) فرمودند : " از دین ائمه ، پرهیزکاری و پاکدامنی و ... و با شکیبایی در انتظار گشایش امور بدست قائم بودن است ."^{۲۱}

و بهمین گونه علمای امامیه هم - به پیروی از رهبران خود - به این مساله اعتقادی غیر قابل انکار داشته و در کتب فراوان خود در این باره جوانب آنرا کاملا مبرهن ساخته اند که برخی از آن صاحب - نظران عبارتند از :

- ثقة الاسلام ابو جعفر محمد بن يعقوب كليني (م ۳۲۹) مؤلف كتاب كافي، شامل اصول وفروع وروضة . در اصول كافي ، در كتاب الحجج آن بابهايي را به قائم موعود اختصاص داده است .
- ابو جعفر محمد بن علي بن حسين بن بابويه قمي معروف به شيخ صدوق (م ۳۸۱) صاحب كتاب كمال الدين كه كليه مطالب آن مربوط به مهدي منتظر است .
- ابو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان ملقب به شيخ مفيد (م ۴۱۳) كه سه كتاب : "الفصول العشره في الغيبه" و "خمسة رسائل في اثبات الحجج" و "مسائل في غيبه الامام" از مصنوعات اوست .
- علم الهدى سيد مرتضى (م ۴۳۶) صاحب "مسئلة و جيزة في الغيبه" و "كتاب المقنع في الغيبه"
- شيخ الطائفة ابو جعفر محمد بن الحسن مشهور به شيخ طوسي (م ۴۶۳) نويسنده "كتاب الغيبه"
- ملا محمد باقر مجلسي (م ۱۱۱۱) گردآورندهء مجلد ۱۳ بحار الانوار* .

* * اهل تسنن

- علمای عامه نیز موضوع قیام دادگرانهء قائم را پذیرا شده و بزرگان از متاخرین و متقدمین آنها برای این موضوع اذعان داشته اند :
- حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی ، ابن حجر هیثمی از علمای قرن هفتم : "از او (امام حسن (ع)) يك فرزند باقی ماند
-
- * چاپ جدید آن در ۳ جلد بشماره ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ میباشد .

و او امام منتظر صلوات الله علیه است . ۲۲

— ابن خلدون از مشاهیر سده هفتم : " بدان مشهور بیسن همگی اهل اسلام در طول زمانها این بوده است که مردی از اهل بیت رسول خدا (ص) که دین را نصرت بخشد و عدل را ظاهرگرداند ظهور می نماید ، مسلمانان پیرویش کنند و بر معالک اسلامی چیره شود و نامش مهدی است . ۲۳

— شیخ علی ناصف از علمای معاصر : " مهدی منتظر از این امت است — تا آنجا که میگوید — و بر این عقیده اند اهل سنت از متقدمین و متاخرین . ۲۴

ب — عقیده مندی مسلمین

هنگامیکه در صد بررسی جامعه مقارن قرن دوم و سوم بر آئیم و برخی جریانات این عصر را به تجزیه تحلیل در آوریم ، به این دیدگاه دست می یابیم که چگونه اعتقاد به ظهور و قیام مهدی پیروزمند عدالتگستر بگونه ای شگفت در نهاد جامعه مستقر بوده است . آنگونه که پیدایش دو گروه منسوبین (در قرون صدر اسلام) و مدعیان مهدویت منوط به همین عقیده مندی است .

دسته اول مرد می خوشنام و نامور بودند که سرستیز با حکام زمانه داشتند ، اما خود صاحب داعیه ای نبودند ، و از آنجا که آن دو خصوصیت جزء ویژگیهای مهدی موعود است — و مردم هم از ایشان تنها همان دورا در خاطر داشتند — انتساب آنها به مهدویت صورت گرفت .

اما گروه دوم مردمانی نابکار و ریاست خواه و فرصت طلب بودند

که خود را قائم منتظر خوانده و وعدهٔ نجات بخشی انسانها از چنگال
 ظالمان داده و مردم جاهل و ساده لوح هم که از قائم تنها اصلاح—
 طلبی و عدلگستری وی را شنیده بودند — در تنگنای روزگار این ندای
 ظاهر فریب را سروش مهدی پنداشته و گرد آنها جمع شدند .
 در دستهٔ اول اشخاصی مانند محمد حنفیه (فرزند حضرت علی
 (ع)) و زید بن علی (فرزند امام سجاد (ع)) و اسماعیل به موسی
 الکاظم (ع) قرار دارند . ۲۵

گروه دوم برخلاف منسوبین از تنوع بیشتری برخوردارند که
 نخستین آنها عموی حضرت حجت (ع) جعفر کذاب (پسر امام
 دهم حضرت هادی (ع) است و از متأخرین هم غلام احمد قادیانی
 (در پاکستان) و میرزا علی محمد باب شیرازی می باشد .

روشنگری

پس از اثبات اصالت قائمیت اینک به بررسی این مطلب میپردازیم که با توجه به موازین اسلامی، این خلعت اصلاح الهی و قیام دادگسترانه زیننده، قامت چه کس تواند بود و چگونه آن ذهنیت در این عینیت متبلور میگردد.

التبه اگر اعتقاد قلبی تمام جهان اسلام این بود که :

"مهدی موعود از نسل پیغمبر (ص) و آخرین جانشین ایشان و از فرزندان امام حسین (ع) بوده و پدر بزرگوارش امام حسن عسکری (ع) میباشد. سال ۲۵۵ در شهر سامراء بدینیا آمده و پیش از وفات پدر (۲۶۰ هـ) از نظرها پنهان گشته و تاکنون زنده است و بانتظار امر الهی بسر میبرد تا زمانی که اذن قیام دریافت دارد و جان تازه ای از عدل و ایمان در کالبد انسانیت مرده از ظلم و شرک بدمد." ۲۶

و آفتهایی هم صفای مهدویت را نمیآلود* و نابکارانی نیز این داعیه بر خود نمی بستند**، دیگر طرح این سخن (تحقق عینیت قائمیت) موردی نداشت. اما چاره چیست که از طرفی :
برادران اهل سنت ما نظر قاطعی نسبت به شخص قائم منتظر

* منسوبین

** مدعیان

ندارند چنانچه :

"برخی مهدی را از اولاد امام حسن (ع) می‌دانند و بعضی او را از نسل امام حسین (ع) می‌شمارند . در میان اینان اختلاف نظرهای دیگری نیز وجود دارد ، زیرا گروهی معتقدند که : قائم بدنیا آمده و پس از مدتی زندگی بدرود حیات گفته و سپس در آخر الزمان مجدداً زندگی از نو آغاز خواهد کرد و قیام شرك برافکن خود را به انجام میرساند . و اکثریت نیز این گفته را پذیرفته اند که : در آینده بدنیا خواهد آمد . عده ای از محدثین آنها نیز با شیعه هم عقیده بوده و آن بزرگوار را در حال حاضر زنده و غایب میدانند ."^{۲۷}

و از طرف دیگر ، جهالت نسبت به قاطعیت قائم موعود باعث سودجویی سوداگرانی شده که با سلاح تفرقه ، اتحاد جامعه اسلامی را گسستند ، و مردم ظلم دیده و ستمکشیده نیز بی خبر از حقیقت موضوع ، بتصور ظهور قائم منتقم بگردشان جمع شدند ، که تشنه ای که آب به چنگ نیاورد به سوی سراب روان میشود . و حتی گاه این طوفانهای زمانه آنچنان بیداد میکرد که احتیاج به بدائی هم نبود و مسلمین فارغ از شناخت راستین امام ، بگرد افرادی که دور نمائی از مهدی موعود داشتند ، حلقه زده و او را منجی خود از نابسامانیها تصور نمودند .

لذا با توجه به آن حیرت و این گمراهی هاست که مادر این بخش ملزم به آن میشویم که تحقق بخشنده استخلاف الهی را کاملاً باز شناسیم تا در ضمن بی اعتبار ساختن حیرت مخالفان و ارائه مشعلی به ظلمت افتادگان جاهل ، به یقین خویش نیز بیفزائیم .

البته ممکن است ، معتقد به مهدویت نوعی (عدم قاطعیت در مورد تعیین قائم منتظر) این بحث را بی حاصل دانسته و شناسایی آنرا ، بهنگام - یا بعد از - ظهور مهدی (ع) موکول سازد ، به این مفهوم که با توجه به علائم قبل و بعد قیام میتوان بخوبی آن انقلاب عدل آور را از غیر آن تشخیص داد و در زمان قیام هم بسهولت قادر به شناخت مهدی موعود خواهیم بود زیرا که نهضتش آشکار است و رهبرش ظاهر .

لازمه اشکال فوق این است که در حال حاضر نیازی به شناخت امام نداریم و معرفت وی سودی از آلمان نخواهد ساخت ، در صورتیکه این نتیجه گیری خود مخالف نص صریح رسول خدا دائر بر عرفان حجت زمان می باشد . و در این مورد احادیث نبوی فراوانی را علمای فریقین (تشیع و تسنن) نقل نموده اند . که از آن جمله است :

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : "مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ
وَمَنْ نَزَعُ يَدًا مِنْ طَاعَةِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِأُحْجَةٍ لَهُ" . ۲۸

"کسیکه بدون امام بمیرد (همانند کافران) بمرگ جاهلیت مرده است و کسیکه دست از طاعت (امام) بردارد ، روز قیامت وارد محشر خواهد شد در حالیکه نتواند از خود دفاع کند (دلیلی بر تباہ شدن اعمالش نخواهد داشت)"

بنابراین با این فرمایش قاطع نبی مکرم (ص) است که تمام رشته های این گزافه گویان پنبه خواهد شد .

* * *

بعد از این رفع اشکال است که اکنون در پیجویی بحث اصلی این

بخش (تحقق مهدویت) چنین سخن آغاز می‌کنیم :

از آنجا که شیعه مهدی موعود و قائم منتظر را حضرت حجة -
بن الحسن العسکری (ع) دانسته و ایشان را آخرین امام از ائمه
دوازده گانه خود می‌شناسد ، بالطبع مساله قائمیت حضرت حجت
(ع) را شاخه ای از مساله امامت دانسته که برای اذعان به آن
باید نخست موضوع جانشینی و وصایت رسول خدا (ص) را در مورد
این دوازده گوهر پاک مبرهن ساخت .

البته در مورد این اثبات، کتب کلامی و حدیثی امامیه به گونه ای
گسترده سخن رانده اند و استدلالهای گوناگونی بر این اعتقاد خود
آورده اند ، که ما بنا بر شیوه مورد نظر در نگارش این نوشته تنها به
ذکر يك مورد اکتفا می‌کنیم :

رسول خدا (ص) در احادیث فراوانی (بالغ بر ۲۷۱ مورد) ()
تعداد پیشوایان بعد از خود را ۱۲ نفر ، اعلام کرده است * که
از میان آن انبوه چند نمونه زیر بچشم می‌خورد :

— برای این امت دوازده خلیفه است . ۳۰

— بعد از من جانشینان ، دوازده نفر بوده که همه از قریش
می‌باشند . ۳۱

— این دین پیوسته پا بر جاست تا دوازده نفر از قریش
(جایگزین من گردند) . ۳۲

* البته در بین این روایات تعدادی از آنها (۵۰ مورد) ،
اسامی ۱۲ امام را هم برشمرده است . اما در این استدلال ما
تنها به همان حصر آنان در عدد ۱۲ استناد می‌کنیم .

با توجه به این گستردگی احادیث نبوی - که همه مستخرج از متون عامه هستند - ^{۳۳} به این نتیجه میرسیم که جانشینان حضرت رسول (ص) منحصر دوازده نفرند و نه کمتر و نه بیشتر .

اما حال باید بررسی کرد که این عدد ۱۲ منطبق بر کدام گروه از خلفای بعد از پیامبر (ص) می باشد ، آیا برخلافی راشدین (۴ نفر) یا بنی امیه (۱۳ نفر) یا بنی عباس (۳۷ نفر) - بر فرض که ظلم و جور این دو سلسله را هم نادیده بگیریم - یا ۰۰۰ مطابقت دارند ؟

اینجاست که تنها ائمه اثنی عشر شیعه هستند که منطبق بر این تعداد می باشند . ^{۳۴} چنانچه در همان ۲۷۱ روایت در موارد قابل ملاحظه ای به این موضوع اشاره شده است که در آن میان دو نمونه آورده میشود :

- رسول خدا (ص) خطاب به پسر عم گرامیش حضرت امیر (ع)

فرمود : امامان بعد از من دوازده نفرند ، اول ایشان توهستی ، یا علی ، و آخرین آنها قائم است که خدا بدستش مشارق و مغارب زمین را میگذاید . ^{۳۵}

- هنگامیکه حضرتش حسین (ع) را برزاق نشانده و بر سر

و صورتش بوسه میزد بوی میفرمود : تو حجت خدائی و پسر حجت خدا و پدر نه حجتی که از صلب تو هستند . که نهمین آنها قائمشان می باشد .

همین صراحت است که برخی از بزرگان انصاف ورز تسنن را

معترف به امامت ائمه اثنی عشر - علیهم السلام نموده است ^{۳۶}

چنانچه حتی برخی در فضائل و مناقب آن بزرگواران نیز کتابهایی
تالیف نموده اند . ۳۷

بنابراین با ملاحظه این برهان ، جای تردید باقی نمی ماند
که امامان پاک نهاد شیعه تنها جانشینان برحق پیامبر اسلام بوده که
آخرین آنها نیز بنا به معرفی همان احادیث (۱۰۷ مورد از ۲۷۱
روایت)^{۳۸} حضرت حجه بن الحسن صلوات الله علیه می باشد ، که
از آن موارد است :

— اولین وصی من علی بن ابیطالب است و سپس نوه ام حسن
و حسین و پس از آن نه امام از نسل حسین (ع) خواهند آمد .
(سپس در مقام توضیح و روشن ساختن آنان فرمود :) چون حسین
(از دنیا) رود فرزندش علی (وصی من است) و پس از علی فرزندش
محمد و پس از محمد فرزندش جعفر . . . و پس از علی فرزندش
حسن و چون حسن درگذرد فرزندش حجت (خدا) مهدی خواهد
بود اینان (اوصیای من ، مجموعاً) ۱۲ نفرند . ۳۹

* * *

به این ترتیب شاهدیم که آن مصلح الهی و آن قائم برحق تنها
حضرت بقیة الله محمد بن الحسن العسکری (ع) تواند بود و بس .
و دیگران اگر به کوره راه و غلط اندازی افتاده اند ناشی از جهل یا
غرض ورزی آنها نسبت به مساله امامت — و بالتبع به شخص حضرت
مهدی (ع) — می باشد .

آشنائی

برای بررسی هر موضوع ، می بایست دو مرحله را طی نمود که آن دو عبارت از اثبات و شناسائی مو باشد . مساله مهدویت هم از این اصل منطقی خارج نبوده که در این نوشته هم کوشش گردیده که آن ترتیب رعایت شود ، چنانچه در مباحث قبل ، مقام نخست (اصالت مهدویت و مبرهن ساختن آن در شخص محمد بن الحسن - العسکری (ع)) و در این قسمت ، آشنائی بیشتر با مهدی موعود مطرح میگردد .

برای دستیابی به این ژرفنگری ، مسائل و برنامه های مربوط بحضرت حجت (ع) را در سه گروه زیر مورد بررسی قرار میدهیم :

۱ - غیبت

۲ - طول عمر

۳ - قیام

اینک بررسی گذرایی در هر یک از این موضوعات :

۱ - غیبت

از خصوصیات قطعی حضرت بقیة الله (ع) مساله غیبت و پنهانی ایشان از انظار آگاه مردمان می باشد که البته در بیشتر مواردی که در فرهنگ اسلام و تشیع این حتمیت بیان شده است ، مقصود غیبت دراز مدت ایشان (غیبت کبری) میباشد .

از میان آن احادیث فراوان است ، دو نمونه زیر :

— حضرت رسول (ص) در ضمن برشماری يك يك امامان
— علیهم السلام — به آخرین آنها پرداخته و میفرمایند : و پس از او
(امام حسن عسکری (ع)) فرزندش " محمد " جانشین من خواهد
بود که بنامهای " مهدی " و " حجت " خوانده میشود . پس دورانی
غیبت گزینند (تا هنگام قیام که) پنهانی بسر آورده و زمین را از عدل
و داد آکنده سازد . ۴۰

— امام هفتم حضرت موسی کاظم (ع) خطاب بفرزندشان
فرمودند : پسرک دلبندم بد رستیکه چاره ای نیست برای صاحب —
الامر مگر آنکه غیبت اختیار کند . ۴۱

اما در مورد غیبت صغری هم اشاراتی رفته است :

برای قائم آل محمد دو غیبت خواهد بود که یکی از دیگری
طولانی تر است . ۴۲

* * *

برای بررسی مسائل غیبت ، آنها را چنین دسته بندی مینمائیم :

الف — تاریخ

ب — حکمت

ج — زمان

د — وظائف

* * *

الف — تاریخ

حضرت ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری علیهما السلام در

نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در شهر سامرا - از بلاد عراق -
از شهزاده ای پاکدامن - که سپاهیان مسلمان وی را از سرزمین روم
به اسیری آورد و امام یازدهم وی را به همسری گزیده بودند - موسوم
به نرجس خاتون بدنی پانهادند .

اما از آنجا که جباران بنی عباس از قبل خبر ظهور این قائم
منتقم را شنیده بودند ، پیوسته در کمین نشسته بودند تا این نور
الهی را پیش از شعله کشیدنش خاموش سازند . به این ملاحظه بود
که از پیش از میلاد امام مهدی (ع) خانه حضرت امام حسن عسکری
(ع) را سخت تحت نظر و کنترل قرار داده بودند ، تا مبادا که
این مولود پاگیرد و بساط شرك و بیداد آفرینشان را درهم شکنند ،
غافل از آنکه " خداوند نور خود را به اتمام می برد ، هرچند کافران
را خوش نیاید " . ۴۳

عنایت به همین موضوع است که میلاد و رشد تمامی دوران کودکی
حضرت مهدی (ع) بصورت امری پنهان و دور از چشم همگان - جز
تنی چند از خواص - صورت می گرفت . اما این نا آشکاری باعث آن
شده که برخی موارد شکاکان و مغرضان به تردید و انکار آن پردازند .
حال گو که این دستاویزها مکرراتی باشد از اعتراضات هزارواندی سال
قبل :

" و از آنها عده ای بر قولند که او (پس از تولد) در گذشته و
گروهی در این تمسخر و انکار که میلادش تحقق نیافته است و در این
اصرار که وجودش امری موهوم می باشد " ۴۴

اما برای پاسخگوئی به اینگونه جاهلان - و بسا که غرض ورزان -

خود میدانیم که بر خورشید فروغ بخش دلیل آوردن خطاست که
 "آفتاب آمد دلیل آفتاب" . لکن با این وجود به زدودن پاره -
 ابرهای اوهام اینگونه بی بصیرتان در برابر این خورشید زمان میپردازیم:
 در مبحث "روشنگری" ملاحظه گردید که چگونه رسولخدا (ص)
 جانشینان بعد از خود را در ۱۲ نفر برشمرده است . و نیز شاهد
 بودیم که این خلفای دوازده گانه منحصرأ امامان شیعه علیهم السلام
 می توانند باشند و بس .

حال با این ترتیب اگر از ناباوران حجت (ع) جویا
 شویم که چگونه امکان دارد ما به یازده نفر از این اوصیای رسول (ص)
 ایمان آوریم ، لیک دوازدهمینشان را انکار نمائیم ؟ چه پاسخی ارائه
 میدهند ؟ مضاف بر آنکه این برهان قاطع علاوه بر دلائل عینی
 گوناگونی دال بر تولد مهدی (ع) - اعم از اخبار حضرت امام حسن
 عسکری (ع)^{۴۵} و مشاهده خدام و کنیزان^{۴۶} و نیز اصحاب خاص
 ایشان^{۴۷} ، نسبت به این مولود میمون - می باشد که بر این دلائل باید
 اضافه کرد اعتراف مورخین اهل سنت بر وقوع این میلاد خجسته^{۴۸}
 اما اگر گروهی از این منکران ، تحقق مهدویت را اذعان آورند
 لیک این نغمه ساز کنند که مهدی (ع) پس از تولد بدرود حیات
 گفته است ، ما مسئلهء وجوب عرفان امام هر زمان* و لزوم وجود حجت**
 را مطرح میسازیم و به این ترتیب این دستاویزشان هم ره به جایی
 نمی برد .

* در مبحث روشنگری اثبات این موضوع گذشت .

** به ابتدای مبحث طول عمر مراجعه کنید .

اما اینکه این دستاویزگران چگونه نور را باور ندارند و اینکه چه سان امکان دارد در کنار چشمه خورشید به هلاکت رسید، موضوعی است که از ابتدای اسلام، ما را نسبت به آن هوشیار ساختند و هشدار دادند که :

«... و گروهی دیگر در میلادش به تردید افتند، پس هر آنکس که زمان (غیبت)ش را دریافت، بدینش تمسک جوید و راه شیطان را، که این القاءات از اوست، برخورد مسدود نماید.»^{۴۹}

* * *

مدتی چند از وقوع میلاد مهدی (ع) گذشت و حضرتش در دامان پدر، دوران خردسالی خود را طی می نمود، اما ستمگران بنی عباس که از پاگرفتن این لوای انتقام حق، سخت بهراس افتاده و پیوسته برآن بودند که این کودک نوپا را یافته و دست به خونش آغشته سازند، سرانجام بدسگالی و فرعون منشی خود را به جایی رساندند که حضرتش ناچار شد برای حفظ جان به نهانخانه غیبت قدم نهاده و زیست پنهانی آغاز نماید، که همین غیاب است که پس از درگذشت پدر و الاتبارش - که امامت به ایشان منتقل گردید - به درازا کشیده و زمان ما را هم دربرگرفته است.

اما در این دوره غیبت تا مدت ۶۹ سال آن - بعد از فوت حضرت امام حسن عسکری (ع) - شیعیان با امام عصر (ع) (روابطی متقابل اما غیر مستقیم داشتند که این پیوند دو جانبه توسط سفرائی منصوب از طرف حضرتش، انجام میگرفت.

این پیام آوران که برترین شیعیان عصر غیبت صغری از لحاظ

تقوی و معرفت و غیره بود ، موسوم به نواب اربعه می باشند و به ترتیب
— زمانی — عبارتند از :

— عثمان بن سعید عمروی

— محمد بن عثمان بن سعید — فرزند نائب اول —

— ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

— ابوالحسن علی بن محمد السیمری

در آخرین روزهای حیات نائب چهارم ، امام غائب طبق توقیعی
که بنام او صادر فرمودند نیابت خاصه را پایان یافته تلقی کرده و هر—
گونه ارتباطی را که منجر به اخذ تکالیف دینی — و خواندن شیعیان
به عمل کردن به آن — شود تا هنگام قیام مسدود اعلام فرمودند . ۵۰
و رهبری ظاهری شیعه را — در توقیعی دیگر — به فقهای جامع —
الشرايط و مراجع تقلید وا گذاشتند . ۵۱

به این ترتیب بود که ولی دوران رخ از جهانیان برگرفت " تا
آنکه این پنهانی وسیله ای باشد که خداوند یاران خود و رسولانش
را باز شناسد که خدای صاحب قدرتی ارجمند است . " ۵۲
ب — حکمت

موضوع علل غیبت امام عصر (ع) از مسائل بحث انگیزی بوده
که از همان ابتدای پنهانی حضرت مهدی (ع) بطور گسترده در
مورد آن سخن می رفته است ، و حتی گاه این مساله ، دستاویزی
می گردید بر باورداران ، دیگر مذاهب اسلامی که عقیده مندی شیعه را
در این مورد — باورداشت قائم منتظر — به تمسخر و استهزاء گرفته و
وجود ایشان را انکار نمایند .

چنانچه نخستین سری کتابهایی که توسط پژوهشگران شیعی در مورد اثبات این اعتقاد نگاشته شده است ، شاهد این مدعايند ، که از جمله آنها ميتوان کتاب " کمال الدین " شيخ صدوق - رحمه الله - عليه - (متوفی ، بسال ۳۸۱ هجری) را برشمرد که اکثر مباحث آن به همین بحث - اصالت غیبت - اختصاص یافته است .

اما نکته ای که پیش از ورود به این گفتار - علل غیبت - قابل یادآوری است آنست که بطور کلی علت اصلی و حکمت بالغه پنهانی امام بر ما پوشیده است چنانچه برخی روایات درک کامل آنرا در زمان قیام وعده داده اند . با این عنایت است که دلائلی هم ، که برای غیبت امام ارائه شده است ، عوامل ظاهری آن می باشند و نه برهان قاطع و حتمی پنهانی حضرت .
اینک پاره ای از آن اسباب :

حفظ جان

یکی از دلائب اولیه غیبت ولی عصر (ع) مساله حفظ جان حضرتش میباشد زیرا - آنچه چنانکه در گفتار قبل اشاره شد - معتمد عباسی * سخت در تلاش بود که هر چه زودتر این " وارث موسی کلیم الله " را از میان بردارد ، بهمین جهت بود که پیوسته کار گزارانش را وامی داشت تا به خانه امام حسن (ع) یورش برده و به آن نیت پلید وی جامعه عمل بپوشانند . اما در هر دفعه ، خداوند متعال بطرفی ایشان را از شر این شیطان صفتان نجات می داد .
تا اینکه سرانجام در یکی از حساسترین آن یورشها ، که آن * خلیفه زمان حضرت عسکری (ع) و دوران کودکی حضرت مهدی (ع) .

نامردمان چند گامی بیش با حجت خدا (ع) فاصله نداشتند ، بود که مهدی (ع) از چشم آنان و دیگر مردم پنهان گشت و به این ترتیب غیبت صاحب الامر ، آغاز گشت .^{۱۰}

بنابراین شاهدیم که چگونه سوء نیت آن جا نشینان فرعون کار را به آنجا رساند که امام بمنظور نگهداری خویش از هلاکت از زیست آشکار به حیات نهانی گرایید . اما اینکه چرا ایشان همانند اجداد پاکهداش تن به کشتن نهاد ، مساله ای است که ناشی از ویژگی خاص ایشان - که دیگر ائمه فاقد آن بودند - که همان موضوع قیام حضرتش - بمنظور گستردن عدل و ایمان در سطح زمین - که لازمه آن ادامه حیات تا هنگام ظهور است ، میباشد .
ایجاد زمینه

در پی فراز قبل که علت اولیه شروع غیبت را یادآور شدیم اینک در این گفتار برآنیم که به بررسی علت ادامه آن پنهانی پردازیم و اینکه چرا آن موج ناآشکاری قائم (ع) پس از ۵/۱۱ قرن هنوز توج خود را از دست نداده است .

برای پاسخ این پرسش ابتدا باید بر این نکته آگاهی یافت که آن تداوم خود منتج از عواملی است که تنها با شناخت آنهاست که میتوان به علت ادامه غیبت دست یافت .

این استنتاج از قرار زیر میتواند باشد ،

در مبحث گذشته به این مطلب اشاره شد که از خصوصیات مهم حضرت حجت (ع) مساله قیام و عدلگستری ایشان و تشکیل حکومت واحد جهانی در سطح زمین می باشد* . اما این ویژگی بطور مستقل

* این بحث بطور گسترده در مبحث "قیام" خواهد آمد .

مطرح نبوده و بستگی به عواملی دارد که تا هنگامیکه آنها حاصل نشود قیام صورت نخواهد گرفت* . مجموعه این عوامل را میتوان در يك جمله خلاصه نمود و آن عبارت از "پیدایش استعداد پذیرش قیام قائم موعود" می باشد .

اما این شایستگی درك ظهور هنگامی تحقق می یابد که بشر مراحل از رشد و تکامل را پیموده باشد، که این نیز خود تنهادرابعاد زمانهاست که شکل می پذیرد و باگذشت روزگار است که کاروان بشریت آن منازل را طی میکند .

بنابراین نتیجتاً سخن به اینجا میرسد که قیام هنگامی صورت می گیرد که بشر دوران خیره سری خود را نسبت به برنامه های مردان الهی پشت سر نهاده ، و در پی ناتوانی خود بمنظور دستیابی به سعادت خویش ، خواستار امدادی آسمانی گردد .

به تعبیر دیگر غیبت بدان علت ادامه یافت تا مقدمه ای باشد برای حصول قیام قائم (ع) . و مفهوم تر آنکه اگر ظهور امام در اثر پذیرش درونی انسانها - که لازمه آن وقوع غیبت است - نباشد ، باز هم همان بی عنایتی و همان گردنفرازی و همان "استکبار" بشر در برابر "صراط مستقیم" تکرار خواهد گشت و در نتیجه این آخرین امید هم به یاس مبدل میشود و لکن میدانیم که اینچنین نخواهد شد که " خداوند بچشم مقرر داشتند که بی تردید من و رسولانم - بر باطل - خیره خواهیم شد " .^{۱۳}

* البته بر اساس سیر طبیعی و جریان عادی امور ، هرچند که امکان عدم رعایت آنها هم وجود دارد - مانند تولد حضرت مسیح توضیح بیشتر در مبحث شرائط قیام خواهد آمد .

آزمایش

در هنگام وقوع مسائل شخصی و پدیده های اجتماعی ، انسانها برد و گونه اند : گروهی استقامت ورزیده و شکیبائی از کف نمی دهند ، و دسته ای دیگر پایدار نبوده و خود را تسلیم مکاره دهر می نمایند . حال گو که تمامی سرمایه های ایمان و تحرکشان به تاراج رود . همین سنجش ثبات قدم است که در ادیان توحیدی از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و پیوسته بعنوان ملاک و میزانی که برای شناسائی درجات ایمان بکار می رود ، از تاکید فراوانی برخوردار بوده است .

در فرهنگ اسلام هم این سنت الهی برقرار بوده و بطور گسترده در مورد آن سخن رفته است و از آنجمله این آیه قرآن کریم است که :
 " آیا مردم گمان بردند که ما با ادعای ایمان آنها را رها کرده و در معرض امتحان در نیایند ؟ " ۵۳

زمان غیبت قائم منتظر ، یکی از موارد تحقق این اراده حق - متعال است که حوادث سهمگین هنگام غیبت از آن " آزمایشگاهی " میسازد که مردم متدین و خالص و استوار را از منافقان سالوس و ریاکار مشخص و ممتاز می گرداند :

" بخدا سوگند اینچنین نیست - که میپندارید - آنچه چشمداشت آن دارید - ظهور امام عصر (ع) (واقعه نمیشود مگر آنکه از غربال - زمان غیبت - درگذرید ، و باز هم آن انتظارتان به ثمر نمی رسد جز اینکه از هم جدا شوید : ۰۰۰ تا آنکه پست عنصران به نهایت شقاوت خود رسند و نیک نهادان به اوج سعادت خویش " ۵۴

قدرشناسی

انسان عموماً نهادش بر این استوار است که تا هنگامیکه بفراق چیزی مبتلا نشود آن را ارج نمی‌نهد و تا مدت‌ها سرابها او را به خود مشغول نسازند، به چشمهٔ حیات عنایت چندانی ندارد و به قول سعدی:

چه دانند جیحونیان قدر آب ز وامانگان پرس در آفتاب
پنهانی امام عصر (ع) نیز از این نوع است که پس از آن همه
قدرناشناسیها که نسبت به اجداد گرامیش - که درود خدا بر همگیشان
باد - روا داشتند آنچنانکه "گروهی تکذیبشان نمودند و دستهای به
قتلشان همت گماشتند" ^{۵۴} از میان آدمیان رخ برتافت و اینچنین
سرود که:

حال که یازده گوهر در هم شکستید، به حرمان این آخرینشان
گرفتار آئید، تا تنگنای ظلمت ناشی از فراق این چشمهٔ آفتاب، شما
را بر آن دارد که بهنگام ظهورش از آن گوهر شبچراغ نور فراوان
برگیرید.

ج - زمان

همانگونه که در مبحث نخست* لزوم بررسی پدیده‌های هنگام
غیبت رامبرهن ساختیم در این گفتار نیز یاد آور میشویم که از آنجا که
برای عمق بخشیدن به هرگونه تحرك، ضرورت شناسایی محیط و زمان
کاملاً باید مورد نظر قرار گیرد، بر همین اساس هم شکل گرفتن
جنبش‌های شیعی در عصر غیبت نیازمند شناختی ژرف از دوران،

* مبحث "یادآوری" بخش "زمان آگاهی".

پنهانی امام غایب (ع) میباشد .

با عنایت به این ضرورت است که ما در این بخش به پژوهشی گذرا

در مورد خط مشی کلی وقایع زمان نهانی امام مهدی (ع) میپردازیم .

اما این بررسی بر پایه دیدگاه و ضابطه ای خاص ارائه میگردد ،

که البته نه خود یافته بلکه متأثر از روایات رسولخدا (ص) و اوصیای

گرانقدرش - که خدای را بر آنها درود فراوان باد .

آن دیدگاه مورد نظر عبارت از درگیری فتنه در بین تمامی مردم

- در همه دورانهای غیبت - می باشد چنانچه رسولخدا (ص) به

همین موضوع اشاره کرده و فرموده اند که : " . . . سپس فتنه هایکی

پس از دیگری پدیدار میشوند ، تا اینکه مردی از امت من بنام مهدی

(ع) - از نهانی - خارج شود . " ۵۵ و نیز امام سجاد (ع) به

یکی از یاران شان : " ای اباخالد بدرستی و بی تردید - در دوران

امامت حجت غائب - آشوبها چون پاره های شب ظلمانی از پی

یکدیگر ظاهر میشوند . " ۵۶

اما برای بررسی چگونگی این فتنه ها نخست به معنای لغوی آن

پرداخته و سپس تحقق آنها در جوامع اسلامی - از دیرباز تا کنون -

مورد نظر قرار میدهیم :

" فتنه " در لغت دارای معانی گوناگون - و عموماً در یکجهت -

بوده که از آن جمله " دشمنی ، عذاب ، گمراهی ، اختلاف مردم - که

گاه به قتل و کشتار میرسد - و غیره " ۵۷ میباشد . همین مفاهیم است

که از لحاظ گستره آن ، در سرزمین های اسلامی - در يك عبارت

جامع - چنین مصطلح میگردد : " پدید آمدن هرگونه واقعه اجتماعی

یا جریان فرهنگی* که بر حرمان مادی یا معنوی مسلمانها انجامد^{۵۰} از این دو پدیده، نخستین آنها - وقایع اجتماعی - مردم را سخت به کام تنگنا و مشقت - وحتى در جنگال نابودی - انداخته، و دیگری - جریانات فرهنگی - با نفوذ در میان مسلمین پویایی امت را یا به رکود کشانده و یا از اصالت اسلامی خود خارج میسازد. آنچه آنکه ملتی مسلمان را که گام در راه فطرت - نهاد های ستودهٔ انسانی - نهاد است به اجتماعی با معیارهای بیگانه - و اغلب مخالف با ضوابط اسلامی - تبدیل مینماید، بطوریکه با این ترتیب هر لحظه مؤمنان سطحی^{۵۸} در خطر گمراهی قرار میگیرند، آنچه آنکه پس از مدت زمانی تنها گروهی اندک که دارای ایمانی پولادین و بینشینی ژرف^{۵۹} هستند باقی میمانند، که آنها هم پیوسته با بسی مهتری - و بسا که شکنج - جامعه، که آن جریانات فرهنگی پایه های ایمانش را لرزان ساخته، مواجه گردیده و مجده اعتبار خود را در میان افراد آن از دست میدهند^{۶۰} - آنچه آنکه مؤمنان راستین و مجاهدان با تقوای ما در آن نیم قرن سیاه اینچنین بودند.

البته در مورد ریشه یابی این حوادث دوگانه میتوان اذعان داشت که پدیده های اجتماعی عموماً ناشی از عوامل داخلی (مانند سوء تدبیر رهبران جامعه یا آز و طمع طبقهٔ اشراف عیاش صفت بی

* فرهنگ عبارت از مجموعهٔ اندوخته ها و ساخته های هر قوم

- اعم از آثار مکتوب یا روابط اجتماعی و غیره - میباشد و جریان فرهنگی رواج يك یا چند مورد از مفاهیم آن - مثلاً ترجمهٔ کتب خارجی بفارسی - پس از انقلاب مشروطیت - یا نفوذ اخلاق و آداب غربی - ها در ممالک شرق، مواردی از اینگونه جریانات فرهنگی هستند.

قید و بند) یا خارجی (مانند استعمار) می‌باشد و وقوع جریان‌ات انحطاط آور فرهنگی در اثر خلاء جامعه از فرهنگ اصیل اسلامی . البته برخلاف فتنه نخست ، در این مورد تنها توده‌ای خاص (مانند طبقات پائین اجتماع) آسیب پذیر نیستند ، بلکه بطور نسبی تمام مردم مسلمان در معرض خطر اینگونه تندبادهای فرهنگی می‌باشند* .

مساله مهم دیگر در زمان غیبت ، گسترش این فتنه هاست که از صدر اسلام (پس از درگذشت رسولخدا (ص)) تا کنون - و نیز تا زمان ظهور - اینگونه مصیبات پیکر جوامع مسلمان را در هم شکسته اند ، آنگونه که شیوع هر جریان فرهنگی بیگانه پیوسته مقدمه ای بوده است برای واقعه ای اجتماعی ، با این ترتیب که یورش هر جریان بیگانه با اسلام به بلاد اسلامی ، بینش مذهبی امت خدشه دار گشته و در نتیجه در پی خلاء جامعه از این قوام نیرومند بوده است که انواع نابسامانیهای اجتماعی مردم مسلمان را سخت در تنگنا انداخته و او را در معرض انحراف یا هلاکت در آورده است . آن - چنان که آن دوران حکومت ، طاغوت مصداق تمام عیار این روال کلی زمان غیبت می‌باشد .

بنابراین شاهدیم که چگونه در مجموع این عوامل یاد شده دست بدست هم داده و جامعه را از درون پوسانده و آن را در معرض يك انفجار قرار میدهند که اگر آن انقلاب هم دارای مبنای فکری صحیح و اصیل - که جز اسلام راستین نتواند بود - نباشد ، باز هم تکراری خواهد بود از مکررات .

* مانند گسترش مکاتب مغرب زمین در چند دهه اخیر در کشور خودمان .

با توجه به این دیدگاه فرهنگی و تاریخی عصر غیبت است که عده ای که آن ناهنجاریها را احساس کرده لکن فاقد بینش اسلامی - اند - سرخورده و مأیوس از هر امدادی - و از آنجمله قیام قائم موعود هم بصورت بدبینی و هم بصورت شك - گردیده و گروهی - که همان عیاش صفتان مرزناشناس و مریدان آنهایند - خیام "خیام" برافراشته و غفلت را پیشه خود میسازند و سرانجام دسته ای - از مؤمنان بی - بصیرت - و امانده و حیران که چه باید نمود و از کجا آغاز می باید کرد - که البته در این ضمن هر یک از این گروهها سردرگریان خود برده و با ادعای من مصیبت و خصم مخطی "در نفی و انکار - و بسا که رنج و آزار - همدیگر می کوشند و به این ترتیب تفرقه گزینی - بعد دیگر عصر نهانی امام غائب (ع) - تحقق می پذیرد . . . " و این از آن روست که تمامی امت در جاهلیت بسر می برند مگر آنکس که خدای رحمتش آرد . . . ۶۱

د - وظائف

در آغاز این بحث نکته ای که ناچار از توجه به آن هستیم این است که برنامه های شیعه در کلیه زمانها یکسان است و چنین نیست که مقصود ما از وظائف زمان غیبت ، جهتگیری هائی باشد که شیعیان دوران دیگر ائمه اطهار علیهم السلام موظف به انجام آنها نبودند . بلکه عنایت فرهنگ تشیع بر اینگونه تحرکها - در اکثر موارد - به ملاحظه عواملی چند - و از آنجمله عدم دسترسی ظاهری مردم به

* مقصود سراینده رباعیاتی است که روح کلی آنها "دم غنیمت شمردن" و "پوچ جلوه دادن زندگی" است .

امام و تشدید و شیوع مسائلی که در دیگر زمانها نیز مطرح بوده است* — می باشد و به عبارت دیگر خط مشی شیعه در هنگام غیاب امامش واکنشی در برابر حوادث آن عصر است .
 و در حقیقت این هشدارها ناشی از آن میشود که از آنجا که جامعه تشیع — در زمان غیبت — در بعضی جنبه ها آسیب پذیرتر میباشد ، در آن سنگرها وی را به مقاومت بیشتری خوانده اند ، که این جنبه گیری و سنگربانی تحت عنوان وظائف شیعه در عصر پنهانی امام (ع) مطرح شده است . مادر ذیل به پاره ای از مهمترین این وظائف اشاره میکنیم :

پایداری

مقصود از این عنوان آن است که عقیده مند این مذهب و آئین در برابر هجوم مکاتب و مرامهای بیگانه به بلاد اسلامی ، خویش را نباخته و خللی در اعتقادات و انجام فرامین اسلامیش وارد نسازد ، که این خود " بنیان مرصوص**"ی است که فرد و جامعه را در مقابل یورش فرهنگهای غرب و شرق — که اصالت فرهنگ اسلامی را مغشوش و ناخالص و در مراحل بعد بی اثر میسازد — حفظ می نماید .
 بعد دیگر این استقامت آن است که وقوع مسائل شخصی یا اجتماعی ، وی — شیعه — را از دینداریش باز ندارد، و به تعبیر دیگر رهرو این راه نه آنچنان است که در فراز و نشیب جامعه یا پستی و بلندی زندگیش دست از اعتقادات خود برداشته و از انجام

* از این مسائل در بخش قبل (زمان) سخن راندیم .

** سد آهنین ، آیه ۴ — سوره صف .

وظائف خود سرباز زند ، که در این صورت حرکتها یا مسخ میشوند
و یا به رکود میگرایند .

انتظار

در بررسی جوانب زمان غیبت ملاحظه شد که یکی از آن ابعاد
موضوع یأس و ناامیدی از امدادهای بشری یا الهی - در مورد
ترمیم نابسامانیها و اصلاح جامعه - میباشد که آن بزرگترین عامل
اصطکاک در راه پیشرفت و تحرك اجتماع است ، چه آنکه میدانیم
پشتوانهٔ تمامی تلاشهای آدمی امید است .

برای مقابله با این عامل رکود آور ، مساله ای که در فرهنگ
اسلام و تشیع تاکید فراوان بر آن رفته است ، موضوع " انتظار فرج "
- چشمداشت قیام قائم موعود - می باشد . که مولود زیر نمونه هایی
از آن بزرگداشت است :

رسول خدا (ص) : " برترین کردار امت من انتظار فرج از خداوند
عزوجل است . " ۶۲

و سرور پرهیزکاران (ع) : " انتظار گشایش (امور بدست مهدی
(ع) برید و از رحمت حق نومید مشوید . پس : بد رستیکه بهترین
اعمال نزد خداوند - عزیز و بلند پایه - چشمداشت فرج است . . .
و هر آنکس که منتظر امر ما (قیام قائم) باشد ، مانند بخون غلطیده ،
راه خداست . " ۶۳

اما نخستین گام در این مرحله آن است که با توجه به عدم
توقیت * ائمهٔ معصومین علیهم السلام دربارهٔ هنگام نهضت ^{۶۳} و اینکه

ظهور منجی بشریت نخواهد بود مگر ناگهانی و غیر منتظره ^{۶۴}، می-
 بایست در هر زمان و بهر هنگام چشم براه آن واپسین قیام بود ، و
 پیوسته می باید سرود که : ^{۶۵} *اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفُرَجَ* *

و نه اینکه هیچگاه در این مورد بخود شك و تردید راه داد و
 نه آنکه فراز و نشیب زمانه در این اعتقاد حرکت آفرین کمترین خللی
 وارد سازد ، که این سخن رسول خدا است که : " بشارت باد شما
 را به مهدی (ع) در آخر زمان بهنگام تنگنا و لغزشها " ^{۶۶}

به این ترتیب است که ، باید کوشید که در پی آن گام نخستین
 - اعتقاد خلل ناپذیر و پیوسته در یاد انتظار - دومین قدم را هم
 برداشت و آن آمادگی برای پذیرش مهدی منتظر و در دیگر عبارت
 شایستگی یاوری امام پیدا کردن و در شمار اصحاب - زمان قیام
 حضرتش - قرار گرفتن است . که لازمه آن متصف به اوصاف و متخلق
 به اخلاق آنان گشتن می باشد .

بعنوان مثال هنگامیکه قرآن متقیان و صالحان را در فرجام کار
 وارث زمین معرفی میکند، ^{۶۷} آیا شیعیان هنگام غیاب امام نمی -
 بایستی واجد آن صفات - تقوا و صلاح* باشد ؟

و نیز اگر رزمندگی در رکاب قائم نیازمند شهامت ، شجاعت
 فداکاری ، تحرك ، بینش و معرفت می باشد پس ما
 می بایست جوانمردانی رشید و جان نثارانی تلاشگرو آگاهانی تیزهوش باشیم
 که اگر هوای آنان داریم که " در دوران حکومت قائم برتران و حکمرانان

* خداوند افرج ولایت را به تعجیل انداز .

** شامل صلاح فردی و صلاح جوئی نسبت به جامعه .

جهانند ، هريك آنان توانی برابر نیروی هفتاد مرد* دارد " بایستی در پرورش و قوت بخشیدن به مغز[٪] و عقل⁺ و روحمان^x بکوشیم .
 . . . و چنین ابعادی است که شیعه^ء عصر غیبت را همپای رزنده^ء رکاب مهدی (ع) قرار میدهد و بسا که والاتر از آنها زیرا آیند که " برتر و افضل از مردمان دیگر زمانها هستند ، چه که خداوند متعال ، به آنان عقل و درك و قدرت شناختی داده است که غیبت برایشان چون ظهور است . خداوند ایشان را در آن زمان - غیاب امام عصر (ع) - همپایه^ء مجاهدان شمشیرزن دوران پیامبر (ص) قرار داده است . اینانند اخلاصگزاران واقعی و شیعیان راستین و داعیان بخدا در نهان و آشکار . " ۶۸

طول عمر

دانستیم که پروردگار والا مرتبه وجود حضرت مهدی (ع) را در صدفخانه^ء غیبت نهان ساخته است ، و نیز گفتیم که این صدف شکسته نمیشود مگر آنزمان که آدمی دست از مرواریدهای بدل برداشته و خواهان تلو^ء لوء^ء این در پنهان گردد .

اما از طرف دیگر آگاهییم که : " اگر زمین بی امام ماند ، اهلش را به کام خواهد کشید* * " ۶۹

با توجه به این دوگونه معرفت (حتمیت قیام و لزوم وجود عجت) است که مسأله^ء طول عمر و دیرزیستی حضرت بقیه^ء الله (ع) جزء خصوصیات ویژه^ء ایشان قرار می^ءگیرد . و این ویژگی هنگامی اهمیت

* نه تنها زور بازو بلکه در قوت روح نیز چنین خواهند بود .

٪ کسب آگاهیهای لازم برای پذیرش حضرتش . ←

دانش :

اصالت حیات

از اصول علمی مورد قبول دانشمندان بیولوژیست اینست که
 برای عمر بشر نمیتوان حدی تعیین نمود و حتی اینکه دیرزیستی ،
 مساله ای مرزناپذیر است و به تعبیر دیگر : " مرگ لازمه قوانین ،
 طبیعی نیست و در عالم طبیعت از عمر ابد گرفته تا عمر يك لحظه ای
 همه نوعش هست ، آنچه طبیعی و فطری است عمر جاودانی است " ^۱
 اما این تأثیر روزگار بر ابدان آدمیان - پیری و کهولت - ناشی
 از عواملی از قبیل عدم رعایت اصول بهداشتی و تغذیه نا صحیح و
 تاثیرات جوی و محیطی و غیره می باشد که بعضی از آنها شناخته و
 برخی دیگر هنوز بر بشر مجهول بوده و رشته هایی از دانش بیولوژی
 مانند " ژنیاتری " و " جرونتولوژی " در صدد کشف اینگونه اصول
 حیاتی برای بالا بردن سن آدمی و طول العمر ساختن وی هستند .
 بنابراین با این ترتیب آیا آن کس که آگاه از تمامی رموز جهان
 باشد قادر نخواهد بود که به عمری پس دراز دست یابد ؟

" بخدا سوگند اینچنین نیست (بلکه) عالم (به معنای واقع)
 هیچگاه جهل نمی ورزد که نسبت به چیزی آگاه باشد و به چیز دیگر
 جاهل . خداوند والاتر و ارجمندتر و گرامیتر از آن است که پیروی
 بنده ای (امام) را واجب سازد ليك علم زمین و آسمان را از وی دریغ
 دارد . " ۷۶

تحقیق :

نمونه ها

بطور کلی هنگامیکه ما امری را - هرچند خارق العاده - در يك يا چند مورد تحقق یافته دیدیم میتوانیم آن را در موارد دیگرش تعمیم دهیم . مساله طویل العمر بودن از اینگونه پدیده هاست که نظائر فراوانی از آن سراغ داریم . چنانچه با توجه به قرآن، نوح لا اقل هزار سال عمر نموده است . و موارد گوناگون دیگر که ذکر آن موجب تطویل است . در این مورد میتوانید به کتاب " العمرون ابو حاتم سجستانی " متوفی ۲۸۵ هجری و کمال الدین باب " المعمرون " و متون دیگر مراجعه نمایید .

دین :

اراده الهی

اما مادر فرهنگ اسلام برای اثبات این واقعیت، هرچند که آن دلائل را بعنوان مؤید این ویژگی یاد آور میشویم، لیکن در حقیقت ما از این براهین بی نیاز هستیم زیرا اصل این است که حیات حضرت مهدی (ع) بایستی تا هنگام قیام ادامه داشته باشد و این خواست پروردگار است و میدانیم که " چون خداوند اراده وجود چیزی را نماید و به او بگوید : باش پس میشود . " ۷۷

از طرف دیگر این خواست خداوند دائر بر بی اثر ساختن قوانین طبیعت - بر فرض که پیری را عامل نیستی انسان بگیریم - بی سابقه نیست ، بلکه در موارد گوناگون فراوان اتفاق افتاده است

که از آنجمله بی اثر ساختن سوزندگی آتش در مورد حضرت ابراهیم
(ع) ، سلب نمودن برندگی کارد نسبت به فرزند ارجمندش حضرت
اسماعیل (ع) می باشد .

* * *

با توجه به این دلائل و اسباب است که موضوع طول عمر قائم
منتظر که از قبل در فرهنگ اسلامی قطعیت یافته بود از لحاظ منطق
و دانش و تحقق و اعتقاد دینی نیز امری سزاوار و انکار ناپذیر می-
باشد .

قیام

آخرین و مهمترین ویژگی قائم منتظر موضوع قیام ایشان می باشد ،
و در حقیقت باید گفت که تمامی دیگر خصوصیات خاص ایشان ،
(غیبت و طول عمر و غیره) ، همه مقدمه ای برای تحقق یافتن این-
مشخصه حضرتش میباشد . که این است سخن نبی مکرم (ص) :
" اگر از عمر دنیا باقی نماند جز یک روز ، مسلم که خداوند چنان
طولانی اش گرداند تا مردی از امت و خاندان من - که نامش
همانند نام من است - برانگیزاند تا او زمین را به عدل و داد آورد
همانگونه که از ستم و بیداد آکنده شده باشد . " ۷۸

همانگونه که در مبحث "ریشه یابی" * ملاحظه گردید ، قیام حضرت
مهدی (ع) بمنظور تحقق بخشیدن به همان اهدافی است که
پیامبران الهی در حصول به آنها ناموفق ماندند ، که میدانیم منتهای

آن اهداف سرانجام منجر به استقرار جامعه توحیدی و برانداختن بنیان کفر و شرک می‌گردد .

موضوع انقلاب قائم موعود هم از این جهت خارج نبوده و در تعبیری جامع میتوان قصد از قیام ایشان را سیر جامعه بشری به آخرین درجه کمال و حیات مادی و معنوی دانست .

برای ساختن این بنای رفیع لازم است که نخست زمینه آن از هرگونه فراز و نشیب و نابرابری پیراسته گردد . به عبارت دیگر برای نیل به آن تنها "مدینه فاضله" محقق تاریخ ، باید جامعه انسانی را از هرگونه ظلم و جور و فساد پاکسازی نمود و این میسر نخواهد شد مگر آنکه عاملان این ستمکاریها از بین برده شوند به این مفهوم که صدرنشینان اجتماع بشری را که همان گردنکشان جبار و مفسدان خونخوار هستند از مسند ریاست جوامع ب خاک ذلت افکنده و چنان دهانشان خرد کرد و شکست که دیگر آخرین خبر که از آنها شنیده شود از قعر جهنم باشد! که اینهمه داغداری تاریخ بشریت از این زورگویان مقامخواه و پست عنصران باطل پرست بوده است .

در نتیجه این پالایش جامعه بشری از اینگونه ستمگران است که فاصله های طبقاتی - که ثمره آن به عدالتیها - می باشد بر - می افتد بگونه ای که هیچ گروه و ملتی توان آن نمی یابد که بر همدیگر تفاخر نموده و برتری جویند .

و در پس این تعدیل عملی است که جهل و فقر - حاصل آن

نابرابریها - نیز از جهان رخت می بندد .

اما برای تعمیم اقدامات اصلاحی در سطح زمین ، پس از

برافتادن آن ستمکاران جفا پیشه - و در نتیجه از بین رفتن مرزهای جغرافیایی کشورها - لزوم تشکیل يك حکومت واحد جهانی احساس میگردد ، بطوریکه در تمام نقاط دنیا تنها يك پرچم برافراشته شود . و آن لوای توحیدی باشد و عدل و ایمان .

پس از این اقدام است که موعود امم عدل و انصاف و مساواة را - با توجه به نیاز و استعداد آدمیان - بین انسانها برقرار میسازد ، انسان که از کران تا کران گیتی اندک نابرابری و ناخشنودی بچشم نمی خورد . پس از انجام این برنامه هاست که مجال تجلی حق و پیروزی یگانه دین سعادت بخش بشر بدست میآید ، بدانگونه که تمامی اهل زمین بر یگانگی خدا و رسالت نبی گرامیش حضرت محمد (ص) و ولایت وصی برحقش امیر مؤمنان علی مرتضی (ع) گواهی دهند ، و اگر احیاناً نابکارانی پس از آنهمه تیره روزی و نافرجامی بشریت - که ناشی از شرك و نفاق و کفر بوده است - نخواهند سر تسلیم در مقابل عدل و ایمان فرود آورند ، بی درنگ به پیشگامان ظالم خود ملحق خواهند شد ، که دیگر در " شهر آفتاب " مجالی برای جلوه نمائی شب پره ها نیست .

به این ترتیب است که اسلام راستین - دور از هرگونه خرافه و بدعت و کجروی - در سرتاسر جهان گسترش می یابد و همه ساکنان کره ارض الهی و محمدی (ص) و علوی می گردند .

در نتیجه این یکپارچگی است که صمیمیت و یگانگی بین انسانها برقرار شده و صفات و اخلاق نیک و پسندیده اسلامی جایگزین آن رسوم جاهلی میشوند .

دیگر شیطان است که باید گفت خوش آسوده بخواب که گاه هدایت است و نه هنگام ضلالت که آنهمه که فریفتی و دوزخ را لبریز نمودی بس است!

در این زمان است که بشارتهای قرآن که نوید بخش سعادت بشر بودند يك بیک جلوه گر میشوند و از آنجمله :

”وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ“ ۷۹

”اگر اهالی شهری ایمان آورند و تقوا پیشه گیرند، از زمین و آسمان برکتها و فزونیها را نثارشان میسازیم“ که مفهوم این آیه هنگامی تحقق می یابد که تمام نیروها و سرمایه های انسان و جهان از قوه به فعل و از باطن به ظاهر درآیند. به این مفهوم که تمامی استعداد های آدمی - تا آخرین حد خود - شکوفا گشته و منابع و انرژیهای زمین و آسمان نیز فی الجمله مورد بهره برداری وی قرار گیرند.

و به همینگونه کلیه کپکشانها هم مسخروی گردند و جان کلام آنکه تمام مخلوقات خدا تحت تسلط انسان دوران قیام حضرت مهدی (ع) قرار می گیرند. که این رفعت مقام بشر خاک نشین تحقق این آیه از قرآن کریم است :

”وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً“ ۸۰

که در زمین و آسمان استهوی همگی را مسخر شما گردانید.

اما لازمه این تحول و تکامل گسترش دانش آدمی در تمام ابعاد

است آنگونه که در جهان آفرینش مجهولی برایش باقی نماند و چنین است پهنه روزگار عدل قائم که :

”علم بیست و هفت حرف است ، تمامی معلومات بشر تا هنگام قیام امام منتظر ، از دو حرف تجاوز نمی کند . تنها در آن زمان — ظهور — است که — با عنایت حضرت مهدی (ع) — آدمی به بیست و پنج حرف دیگر دست می یابد .“ ۸۱

اما گستره نهضت حجت منتظر (ع) تنها شامل جنبه مادی نیست بلکه عقل و فهم انسانها نیز به آخرین درجات کمال و ارتقاء خود میرسند :

” هنگامیکه قائم ما قیام آغازد ، خداوند دست — رحمت — بر سر بندگان نهد پس — در نتیجه — این عنایت حق — خرد هاشان تمرکز یافته (هماهنگ شود) و عقلهاشان کامل گردد .“ ۸۲

لکن اینجا نباید فراموش کرد که تمام برنامه های قیام در حقیقت ایستگاههایی هستند برای رسیدن به مقصدی ماورای آنها و مقدمه ای برای انتقال انسان به فطرت — پیراسته از هر آلائش — اولیه خود و زمینه ای برای پرواز او بسوی ملکوت .

که آن انتظام و سازمان ، کوششی است نیکفرجام برای برگرداندن این مرغ روح آدمی به آشیان خود همانجا که ملائک در پیشگاهش به سجده افتند .

همانجا که زنگار غفلت — از یاد ” او ” — قلبش نیالاید .

همانجا که با صفای جان و جامعه اش محبت ” آن یگانه

مقصود ” را در درون خود جایگزین سازد .

همانجا که سروش عالم قدس در جایش آهنگی از عشق معبود

ندارد .

همانجا که " . . . تنها مرا پرستند و نه اندک شرک به من

آرند " ۸۳

تداوم انقلاب

و اینک سخن بر سر آنست که ما که ظلمت شب به پایان بردیم و در کرانه فجر خیمه افراشتیم ، هیچ چشم انتظار طلوع خورشید جهانفروز هستیم ؟

که سرش این زمان آنست که : حال که سکان این کشتی را از آن "بیخدا" گرفتید و خود هدایتگر کاروان گشتید ، به چه سوی راه می پوئید ؟ و کدامین ساحل را مقصد و ماوا گرفته اید ؟ آیا نه این است که - پس از آن طوفان سهمگین - در ایمن آرامش پهنه بیکران اقیانوس ، "جزیره بهشت" را نشان گرفته ایم و بسوی آن است که پیش می تازیم ؟

و نه اینکه این پویش هاما در جهت دستیابی بدان "کشور خورشید" است ؟

که این است منزلگه و مقصد و مأوای ما ، و پشتوانه تمامی تلاشها و کوششها مان .

آری برای رسیدن به آن جامعه موعود است که سازندگی اجتماع خود را آغاز کرده ایم ، و در جهت دستیابی بدان است که این تلاشگریهای خود را به سامان می بریم .

و نه اینچنین پنداریم که تحقق حکومت جهانی امام مهدی (ع)

خیالی خام و سودایی نابهنگام است، که در این انقلاب افتخار آفرین خویش ما بس جلوه‌ها از ابعاد قیام حضرتش را شاهد بودیم، که از آنجمله نقش ایمان در تکوین نهضت و نیز وحدت رهبری در پیشوائی عظیم‌الشان و مرجعی روحانی - و نایب‌عام خود حضرت - میباشد.

انقلاب امام مهدی هم، چنین است، منتهی با گستره‌ای فرا-گیرتر و ابعادی ژرفتر و نیز در سطحی جهانی و با همیاری تمامی مستضعفان گیتی.

و در این میان این رسالت عظیم بدوش ماست که مردمان را آماده پذیرش قیام حضرتش گردانیم. و این میسر نیست مگر اینکه نخست مملکت خویش را به سامان آریم و در کنار جنبش‌های اجتماعی و سیاسی نهضت فرهنگی را هم از یاد نبرده و اعتقادات اصیل اسلامی و شیعی را در میان توده مردم بگسترانیم.

بویژه درباره مسأله امامت و ولایت - که اینروزها چندان سخن از این روح حماسه آفرین شیعه نمی‌رود و این خطری است عظیم برای نهضت، که آنرا به انحراف و مسخ می‌کشاند - و مسائل مربوط به امام عصر (ع) باید بسیار سخن رود و تمامی اقشار جامعه را از این اعتقاد پویا و حرکت آفرین آگاه نمود.

مرحله بعد آن است که به یاری دیگر مستضعفان - خاصه در کشورهای اسلامی - شتافت و آنها را از استضعاف سیاسی و فرهنگی به دنیای آزادی و آگاهی و ایمان هدایت نمود.

بدین ترتیب است که با این تلاشگریها و زمینه‌سازیهها و ایجاد پذیرش قیام عدلگستر و جهانی امام مهدی، در میان تمامی خلقهای

جهان ، است که حضرت ، که خود علت غیبت خویش را ناشایستگی
مردم و کردارهای ناپسند و عدم انتظارشان دانسته‌اند، باذن خدای
پرده از رخ برافکنده و نهضت داد آفرین خود را آغاز می‌نماید .
به امید آنروز

در پایان توفیق پیروزی و رهیابی هرچه بیشتر خود را در این
اهداف الهی ، از خداوند متعال خواستاریم .

پاورقیہا

۱ - شرح فارسی بر غرر در آمدی چاپ دانشگاه تهران جلد

۵ ص ۱۸۴ حدیث شماره ۷۸۹۴ .

۲ - " وَجُودُهُ لُطْفٌ وَ تَصَرُّفُهُ لُطْفٌ آخِرٌ وَعَدَمُهُ مِنَّا " ، گفتار

خواجه نصیر طوسی ، در کتاب " تجرید الاعتقادات " که در اینجا

از شرح قوشچی بر آن ص ۳۷۶ ترجمه شده است .

۳ - " وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفُقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنْ -

الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا . . . " .

در توفیق حضرت مهدی (ع) خطاب به شیخ مفید ، بحار الانوار ،

تالیف علامه مجلسی ص ۱۷۶ ج ۵۳ .

۴ - منتسب به امام صادق (ع) - منتخب الاثر ، تالیف

صافی گلپایگانی ، ص ۱۶۹ حدیث ۱۸۴ .

۵ - " الْعَالَمُ بِرَمَانِهِ لَا تَجْهَمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ " - حضرت صادق

(ع) ، اصول کافی تالیف شیخ کلینی (ره) جلد یک صفحه ۵۰

حدیث ۲۹ ، (ترجمه شیخ محمد باقر کمره ای) .

۶ - برای مشاهده این مدعیان به کتاب " مهدی از صدر اسلام

تا قرن سیزدهم هجری " تالیف " دارمستتر " ترجمه محسن جهانسوز

مراجعه شود .

۷ - مانند کتاب " بشارات عهدین " نوشته دکتر محمد صادقی

و " لمعات النور فی بشارات الظهور " تالیف جلال المحدثین -

شیرازی و غیره :

- ۸ - به عنوان نمونه سوره " شعراء " و سوره " نوح " مشاهده شود .
- ۹ - سوره " حجرات (۴۹) آیه ۱۴ .
- ۱۰ - برای دریافت تفاوت بین ایمان و اسلام به کتاب " الکفر والایمان " اصول کافی بابهای ۱۴ تا ۱۶ مراجعه شود .
- ۱۱ - آیه ۱۴۴ سوره " آل عمران (۳) .
- ۱۲ - " اِنَّ الْاِسْلَامَ بَدَاْ غَرِيبًا وَسَيَعُوْدُ كَمَا بَدَاْ فَطُوْبَى لِلْغُرَبَاءِ " نهج الفصاحه ص ۱۲۲ حدیث ۶۱۱ .
- ۱۳ - سوره " مجادله (۵۸) آیه ۲۱ .
- ۱۴ - آیه ۹ سوره " صف (۶۱) ، این آیه در سوره " توبه (۹) آیه ۳۳ و نیز در سوره " فتح (۴۸) آیه ۲۸ و با تعویض " كَفَى بِاللّٰهِ شَهِيدًا " بجای " وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُوْنَ " تکرار شده است .
- ۱۵ - در این مورد به کتاب منتخب الاثر - تالیف آقای صافی گلپایگانی - که احادیث مربوط بحضرت مهدی (ع) را در بابهای متعدد احصاء نموده و برشته " فگارش در آورده است ، و نیز کتاب " نوید امن و امان " از همان نویسنده مراجعه شود .
- ۱۶ - الذریعه ، تالیف حاج آقا بزرگ طهرانی ، ذیل عنوان " غیبت " .
- ۱۷ - این مجموعه توسط صندوق پستی ۲۲۲۳ طهران بنام " کتابنامه " امام مهدی " در دو سال متوالی ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ هجری قمری (نشر دوم با تغییرات و اضافات) انتشار یافته است .
- ۱۸ - کتاب " التاج " جلد ۵ ، باب ۷ ، تالیف شیخ منصور

علی ناصف ، استاد دانشگاه الازهر مصر .

۱۹ - کتاب " الامام مهدی " تالیف : استاد " علی محمد علی

دخیل " از محققان تسنن ، بنقل از " آخرین تحول " نشریه " هیئت

قائمه " تهران چاپ سال ۱۳۹۷ هجری ، ص ۱۵۹ .

۲۰ - برای ملاحظه " فرمایشات سیزده معصوم علیهم السلام در

مورد حضرت بقیة الله (ع) به کتاب کمال الدین تالیف شیخ صدوق

(م ۳۸۱) و نیز مجلد ۱۳ بجار الانوار ، چاپ کمپانی (ج ۵۱ ،

۵۲ و ۵۳ چاپ جدید) مراجعه نمائید .

۲۱ - قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) : " مِنْ دِينِ الْأَئِمَّةِ ، الْوَرَعُ وَ -

الْعَفَافُ إِلَى قَوْلِهِ وَانْتَظَارُ الْفَجْرِ بِالصَّبْرِ " . منتخب الاثر ص ۴۹۸ ،

حدیث ۱۰ .

۲۲ - منتخب الاثر پاورقی ۶ ص ۳۲۴ .

۲۳ - مقدمه ابن خلدون ص ۳۶۷ - بنقل از نوید امن و امان

ص ۱۰۰ .

۲۴ - " الْمَهْدِيُّ الْمُنْتَظَرُ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِلَى أَنْ قَالَ - وَعَلَى

هَذَا أَهْلُ السَّنَةِ سَلَفًا وَخَلْفًا " غایة المأمول جلد ۵ ص ۳۸۱ - بنقل

از کتاب فوق الذکر ص ۱۰۱ .

۲۵ - کمال الدین صفحات ۳۲ تا ۴۰ .

۲۶ - آخرین تحول ، ص ۱۰۸ ، با اندک تصرف در عبارات .

۲۷ - مدرك فوق ، ص ۱۰۹ .

۲۸ - مسند حافظ طیالسی ص ۲۵۹ طبع حیدرآباد - بنقل

از ص ۱۱۳ کتاب فوق الذکر .

۲۹ - منتخب الاثر فصل اول باب ۱ .

۳۰ - از "جابرین سمره" صحابی معروف گفت شنیدم پیغمبر
ص (فرمود : "يَكُونُ لِهِذِهِ الْأُمَّةِ اثْنِي عَشَرَ خَلِيفَةً" منتخب الاثر ، ص
۱۲ حدیث ۷ .

۳۱ - قال ابن مسعود عن النبي (ص) انه قال : "يَكُونُ مِنْ
بَعْدِي اثْنِي عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ" كنز العمال جلد ۱ ص ۳۳۸ ،
بنقل از كتاب "نوید امن و امان" تالیف صافی گلپایگانی ، ص ۶۶ ؛
۳۲ - ابْنُ النَّجَّارِ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) قَالَ :
لَنْ يَزَالَ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا إِلَى اثْنِي عَشَرَ مِنْ قُرَيْشٍ كنز العمال ،
جلد اول ص ۲۰۱ حدیث ۳۴۸۳ ، بنقل از كتاب فوق الذكر .

۳۳ - برای اطلاع بیشتر به کتب "نوید امن و امان" منتخب -
الاثر " و "آخرین تحول" مراجعه کنید .

۳۴ - (زائد است) .

۳۵ - ینابیع الموده ، تالیف خواجه کلان قندوری ص ۴۹۳ ،
بنقل از "نوید امن و امان" ص ۶۸ .

۳۶ - عَنْ سُلَيْمَانَ (ر ه) قَالَ : "دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ (ص) وَإِذَا
الْحُسَيْنُ عَلَى فَخِذِهِ وَهُوَ يَقْبَلُ عَيْنِيهِ وَيَلْتَمُ فَاةً وَيَقُولُ : إِنَّكَ سَيِّدُ ابْنِ سَيِّدِ
أَبِوسَادَةَ ، إِنَّكَ إِمَامُ ابْنِ إِمَامِ أَبِوَأَيْمَةَ ، إِنَّكَ حُجَّةُ بَنِي حُجَّةِ أَبُو حُجَجٍ
تَسْعَةَ مِنْ صُلْبِكَ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ" كتاب "مقتل الحسين" طبع -
الغری ، تالیف اخطب خوارزم ، بنقل از "آخرین تحول" ص ۱۴۶ .
۳۶ - مکرر - مانند "حافظ ابو عبد الله گنجی شافعی" و "ابن -
الصباغ" مالکی " و "قاضی بهلول بهجت افندی" وغیره که تعدادی

از آنها را فاضل محقق آقای صافی گلپایگانی در کتاب "نوید امن و امان" ص ۷۲ و ۷۴ برشمرده اند .

۳۷ - مانند کتب : "خصائص" حافظ نسائی ، "مودة القربی"

خواجه کلان قندوزی ، "تذكرة الخواص" سبط ابن الجوزی و "مطالب - السئول" ابن طلحه شافعی و غیره .

۳۸ - منتخب الاثر فصل اول باب هشتم .

۳۹ - احقاق الحق ج ۱۳ ص ۴۹ - بنقل از "آخرین تحول"

ص ۱۳۷ .

۴۰ - "ینابیع الموده" باب ۷۶ - بنقل از کتاب فوق ص ۱۴۷ .

۴۱ - "مکیال المکارم" ص ۱۶۹ - قال موسی بن جعفر فی

حدیث : "یا بنی اِنَّهُ لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غُیْبَةٍ حَتَّىٰ یَرْجِعُ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ یَقُولُ بِهِ ."

۴۲ - قال ابو جعفر : "لِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ غُیْبَتَانِ أَحَدُهُمَا أُطْوِلُ

مِنَ الْأُخْرَى . "منتخب الاثر ص ۲۵۲ حدیث ۵ .

۴۳ - "یُریدُونَ لِیُطْفَؤُا نَورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ

الکافرون" آیه ۸ سوره صف (۶۱) .

۴۴ - "فَمِنْهُمْ یَذْهَبُ إِلَىٰ أَنَّهُ مِیتٌ ، وَمِنْهُمْ مَنْ یُنْکِرُ لِأَدَتِهِ

و یَجْحَدُ وَجُودَهُ بِوَأَحَدَةٍ وَ یَسْتَهْزِئُ بِالصِّدْقِ بِهِ" ص ۱۷۵ ، کتاب -

الغیبه" تالیف محمد بن ابراهیم نعمانی ، از علمای شیعی قرن چهارم هجری .

۴۵ - کمال الدین چاپ مکتبة الصدوق باب ۳۸ "ما اخبر به -

العسکری (ع) من وقوع الغیبه ."

۴۶ - کمال الدین باب ۴۱ " باب ما روى فى ميلاد القائم (ع) .

۴۷ - کمال الدین باب ۴۳ " باب من شاهد القائم (ع) .

۴۸ - مانند حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی در کتاب

" البیان فی اخبار صاحب الزمان " فصل بیستم و حافظ نورالدین ابن -

صباغ مالکی در " فصول المهمه " فصل دوازدهم و خواجه کلان قندوزی

در " بتایع الموده " ص ۴۵۳ و غیره .

۴۹ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي حَدِيثٍ : " وَسَتُكُ آخِرُونَ فِي

قَلَادَتِهِ فَمَنْ أَدْرَكَ زَمَانَهُ فَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ وَلَا يَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ إِلَيْهِ سَبِيلًا

بَشِيرَةً " - بحار الانوار تالیف علامه مجلسی ج ۵۱ ص ۶۸ .

۵۰ - غیبت شیخ طوسی ص ۲۴۲ و ۲۴۳ .

۵۲ - " وَلَيَعْلَمُ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَسِيمٌ

عَزِيزٌ " - آیه ۲۵ سوره حدید (۵۷) .

۵۱ - " وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَأَرْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا

فَانَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ " اما بهنگام پدیداری وقایع

زمانه ، پس به راویان حدیث ما رجوع نمائید زیرا که آنها حجت من

بر شمایند و من حجت خدا بر شما - کمال الدین شیخ صدوق ، ص

۴۸۴ .

۵۳ - " أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ " .

آیه ۲ سوره عنکبوت (۲۹) .

۵۴ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) : " . . . أَيُّهَاكُ أَيُّهَاكُ لَا وَاللَّهِ

لَا يَكُونُ مَا تُمَدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنُكُمْ حَتَّى تُفْرَبُوا ، لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تُمَدُّونَ

إِلَيْهِ أَعْيُنُكُمْ حَتَّى تُمَيِّزُوا . . . حَتَّى يُشَقِيَ مِنْ شَقِيٍّ وَيَسْعُدُ مِنْ سَعْدٍ " .

منتخب الاثر ص ۳۱۴ حدیث اول .

۵۴ مکرر - " کَلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ اٰفْسَهُمْ فَرِقًا كَذَّبُوا وَفَرِقًا يَقْتُلُوْنَ " آیه ۷۰ سوره مائده (۵) .

۵۵ - قال رسول الله في حديث : " ثُمَّ تَتَّبِعُ الْفِتْنُ بَعْضُهَا بَعْضًا حَتَّىٰ يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَالُ لَهُ الْمُهْدِيُّ " منتخب الاثر فصل ۲ باب ا حدیث ۱۱ .

۵۶ - قال على بن الحسين (ع) : " يَا أَبَا خَالِدٍ لَتَأْتِيَنَّ فِتْنٌ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلَمِ " ص ۱۳۵ بحار الانوار جلد ۵۱ .
۵۷ - المنجد ذیل " فتن " .

۵۸ - عن محمد بن علي الباقر (ع) : " وَقَبْلُ ذَٰلِكَ شُرْفَتَيْنِ يُمَسِّي الرَّجُلُ مُؤْمِنًا وَيُصْبِحُ كَافِرًا " " پیش از آن - قیام - بدترین فتنه هاست - آنچنانکه - شخص بهنگام شب ایماندار است ولی در بامداد کافر - منتخب الاثر ص ۴۳۷ حدیث ۱۹ .

۵۹ - قال على (ع) : " وَ لَكِنْ بَعْدَ غَيْبَةٍ وَ حَيْرَةٍ فَلَا يُثَبِّتُ فِيهَا عَلَي دِينِهِ اِلَّا الْمُحْلَصُونَ الْمُبَاشِرُونَ لِرُوحِ الْيَقِينِ ، اَلَّذِينَ اَخَذَ اللّٰهُ مِيثَاقَهُمْ بِوَلَايَتِنَا وَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْاِيْمَانَ وَ اَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ " :
. . . . اما بعد از نهانی - امام - و سرگردانی - مردم - آنچنانکه در آنزمان کسی بر دینش استوار نمی ماند مگر پاکدینانی که در اوج یقین باشند ، آنکسان که خداوند از آنها پیمان بر ولایت ما گرفته باشد و در قلبهایشان ایمان نوشته باشد و با تایید خود آنها را یاری دهد .
منتخب الاثر ص ۲۰۵ حدیث ۵ .

۶۰ - " سَتَذِلُّ اَوْلِيَائِي فِي زَمَانِهِ وَيَتَهَا دُونَ رُؤْسِهِمْ كَمَا تَهَادَى

رُؤُسُ التُّرْكِ وَالَّذِي يَلْمُ فَيُقْتَلُونَ وَيُحْرَقُونَ وَيَكُونُونَ خَائِعِينَ مَرْعُوبِينَ وَ -
 جَلِينِ . . . : دوستان من (خداوند متعال) در زمان - غیبت -
 شی خوارگشته و سرهایشان به هدیه - ستمگران - برده میشود ،
 همانگونه که در مورد اقوام ترك و دیلم اینچنین گردید . پس
 - عده ای - کشته میشوند و - دسته ای - طعمه حریق میگردند ،
 - و پیوسته - در خوف و اضطراب هستند . . . کمال الدین ، ص
 . ۳۱۰ و ۳۱۱ .

۶۱ - خطبه امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه : " اَعْلَمُوا لِمَا
 يَقِينِيَا اَنَّ الَّذِي يَسْتَقْبِلُ قَائِمَنَا مِنْ اَمْرِ جَاهِلِيَّتِكُمْ وَذَلِكَ اَنَّ الْاُمَّةَ
 كُلَّهَا يَوْمَئِذٍ جَاهِلِيَّةٌ اِلَّا مَنْ رَحِمَ اللّٰهُ . . . " جلد ۵۱ بحار الانوار ،
 حدیث ۲۳ .

۶۲ - " اَفْضَلُ اَعْمَالٍ اُمَّتِي : اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ . " .
 کمال الدین ص ۶۴۴ .

۶۳ - قال امیرالمؤمنین (ع) : " اِنْتِظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ
 رُوحِ اللّٰهِ فَاِنَّ اَحَبَّ الْاَعْمَالِ اِلَى اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ (اِلَى اَنْ -
 قَالَ) وَ قَالَ (ع) : اَلَاخِذْ بِاَمْرِنَا مَعَنَا عِدَا فِي حَظِيْرَةِ الْقُدْسِ وَ -
 الْمُنْتَظِرُ لَامْرِنَا كَالْمَتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ . " منتخب الاثر ص -
 ۴۹۸ حدیث ۱۱ .

۶۳ - مکرر - نمونه اینگونه روایات را در باب ۶ از فصل
 ۸ کتاب منتخب الاثر آورده شده است . که از جمله آنهاست این
 فرمایش حضرت صادق (ع) : " كَذَبَ الْمُؤَقَّتُونَ ، مَا وَقَّتْنَا فِيْهَا مَضَى
 وَلَا نُوقِّتُ فِيْهَا يَسْتَقْبِلُ . " : آنها که برای هنگام ظهور - وقت تعیین

میکنند دروغگویانی بیش نیستند - ما - اهل بیت - نه در گذشته -

برای قیام - زمانی برشمردیم و نه در آینده چنین خواهیم کرد .

۶۴ - عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدٍ (ع) عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) : " إِنَّمَا

مِثْلُهُ لِمِثْلِ السَّاعَةِ لِأَتَاتِكُمْ إِلَّا بُغْتُهُ " منتخب الاثر ص ۱۲۴ .

۶۵ - از وظائف خاص شیعه بهنگام غیبت ، دعا برای تعجیل

قیام قائم منتظر نمودن است چنانچه خود فرمود : " أَكثِرُوا الدُّعَاءَ ،

بِتَعْجِيلِ الْفُرَجِ فَإِنَّ ذَٰلِكَ فَرَجُكُمْ " : برای فرارسیدن ظهور ، دعا

بسیار نمائید زیرا که آن موجب گشایش - امورتان - میشود - کمال -

الدين ص ۴۸۵ .

۶۶ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : " أَبْشِرُوا بِالْهُدْيِ فِي آخِرِ -

الزَّمَانِ عَلَى شِدَّةٍ وَزَلَّازِلٍ " منتخب الاثر ص ۱۷۱ ج ۸۸ .

۶۷ - " لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا

عِبَادِي الصَّالِحُونَ " سوره الانبياء (۲۱) آیه ۱۰۵ و " إِنَّ الْأَرْضَ

لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ " آیه ۱۲۸ ، سوره

اعراف (۲) .

۶۸ - منتخب الاثر ص ۲۴۴ - بنقل از " در فجر ساحل "

ص ۶۳ .

۶۹ - اصول کافی باب " إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ " حدیث

۱۰ - قال ابو عبد الله (ع) : " لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ "

ص ۳۳۴ ، چاپ کتابفروشی اسلامیه .

۷۰ - منتخب الاثر فصل ۲ باب ۳۰ .

۷۱ - کتاب الغیبه تالیف شیخ طوسی ص ۷۸ و ۷۹ .

۷۲ - کتاب الغیبہ تالیف محمد بن ابراہیم النعمانی ص ۱۵۷ .

۷۳ - (زائد است) .

۷۴ - ژان فوراسیته در ص ۲۸ کتاب " وضع و شرایط روح علمی "

۷۵ - گفته " برنارد شاو " ، ص ۲۰ " خورشید مغرب " محمد -

رضا حکیمی .

۷۶ - قال ابو جعفر (ع) : " لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ عَالِمٌ جَاهِلًا أَبَدًا ،

عَالِمًا بِشَيْءٍ جَاهِلًا بِشَيْءٍ . ثُمَّ قَالَ : اللَّهُ أَجَلٌ وَاعِدٌ وَأَكْرَمٌ مِنْ أَنْ

يَفْرُضَ طَاعَةَ عَبْدٍ يَجِبُ عَنْهُ عِلْمُ سَمَائِهِ وَأَرْضِهِ " - اصول کافی جلد دوم

ص ۱۳ حدیث ۶ .

۷۶ - مکرر " فَلَيْتَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا " آیه ۱۴ ،

سوره عنکبوت (۲۹) .

۷۷ - " اننا امره إذا أراد شيئاً أن يقول له كن فيكون "

۸۲ یس (۳۶) .

۷۸ - " لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ

حَتَّى يَبْعَثَ فِيهِ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي وَمِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِي اسْمَهُ اسْمِي ،

يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَجُورًا " - منتخب الاثر فصل

۲ باب ۱ .

۷۹ - آیه ۹۶ سوره اعراف (۷) .

۸۰ - آیه ۱۳ سوره الجاثیه (۴۵) .

۸۱ - از حضرت علی (ع) ، ص ۲۶۷ و ۲۶۸ " مهدی منتظر "

نوشتہ حاج شیخ محمد جواد خراسانی ، چاپ دوم .

۸۲- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ : " إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ
يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فُجِّعَ بِهَا عُقُولُهُمْ وَكُمُلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُمْ " .
اصول کافی جلد اول ص ۴۷ - چاپ کتابفروشی اسلامیہ .

عبدالهادی الفضلی

درانتظار امام

ترجمه:

محمد امینی